

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

سخن بر سر ادامه شکنجه‌های غیر انسانی برای وارد آوردن فشار به توده‌ایهای دربند است، تابه اتهامات بی‌پایه و اساس حکام مرتجع "داوطلبان" صحنه بگذارد.

شکنجه زندانیان سیاسی با تکمیل یافته‌ترین ابزار و آلات مانند شوک الکتریکی و دستگاه "آپولو" امری است متداول. انسانها را سرودست می‌شکنند و زنده زنده روی اجاقهای سرخ شده الکتریکی می‌نشانند. بهره‌گیری از انواع داروهای مخدر و روانگردانی طبق اخبار موثق رسیده از درون زندان جدیدی را تدارک می‌بیند.

اخبار رسیده از زندان‌های ایران نگرانی آور است. رژیم که تاکنون بازیر پاک‌آوردن اصول قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، با وضع قوانین قرون وسطایی که با مفاد اعلامیه حقوق بشر و موازین مورد پذیرش جوامع مترقی مغایرت دارد و علیه آزادی عقیده و اندیشه سرهم بندی شده، سراسر کشور را به زندان تبدیل کرده و کوچکترین صدای مخالف و کترین اعتراض زحمتکشان به اقدامات غیرقانونی و شیوه‌های ترور و اختناق را با شکنجه، زندان، اعدام و سربسته کردن پاسخ می‌دهد، توطئه جنایتکارانه جدیدی را تدارک می‌بیند.

اکثریت

نشریه‌های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۶۳ برابر ۲۵ فوریه ۱۹۸۵
بها ۴۰ ربال - سال اول - شماره ۴۶

گزارشی از وضعیت جوانان در شهرستان ارومیه

جوانان تا کنون نقش سترک و بی‌بدیلی در مبارزه مردم میهن ما ایفا کرده‌اند. لحظه لحظه تاریخ معاصر کشور و تمامی آن وقایع و حوادثی که به پیروزی مردم در ۲۲ بهمن انجامید، جای ممتاز جوانان را در مبارزه برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی به وضوح نشان داده است.

بسیاری از جوانان در دوران استبداد و خفقان ستم شامی با تحمل زندان، تبعید، شکنجه و ایثار جان خود رزم خلق را پاس داشته و در این راه حماسه‌ها آفریدند. جوانان در روزهای تاریخی قیام از جان خود مایه گذاشتند و با خون خود نهال نورس انقلاب را آبیاری کردند، به این امید که شاخ و برگ گسترده و جنگی عظیم و پربار روید. جوانان بعد از انقلاب نیز برای پاسداری از آرمانهای مردمی آن چه جانبازیها و فد اکاریها که نکردند.

جوانان میهنمان در طول سال‌ها مبارزه امید آن داشتند که به تمام محرومیتها و ستم‌هایی که تاکنون بر اکثریت مطلق آنان رفته پایان داده شود و استعداد و توانایی و شور و شوق جوانی آنها در راه ترقی و شکوفایی کشور به کار گرفته شود. آنها انتظار داشتند که بر بستر تاملین شعارهای اساسی انقلاب بهمن در آن بخش از حیات اجتماعی کشور که به تامین حقوق جوانان مربوط می‌شود تحول بنیادین صورت گیرد.

بقیه در صفحه ۶

جشنهای چهاردهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان تجلی پر شکوه همبستگی بین‌المللی با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دوشهر استکهلم و امشب برگزار گردید. جشن مزبور باشکوه فراوان در شهر استکهلم، با شرکت یکنی از اساتید علمی و فنی اتحاد جماهیر شوروی و نمایندگان از حزب کمونیست کارگری سوئد، حزب کمونیست شیلی (سوئد)، حزب کمونیست عراق (سوئد)، حزب کمونیست یونان (سوئد)، حزب کمونیست اروگوئه (سوئد)، سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری سوئد، سازمان جوانان حزب چپ کمونیست سوئد، کمیته صلح (سوئد)، اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا (سوئد)، اتحادیه زنان کرد (سوئد)، سازمان سودانیان مترقی در سوئد و صدها نفر از ایرانیان مقیم سوئد برگزار شد.

مراسم جشن با نمایش یک فیلم کوتاه شروع شد. در این فیلم بخور سمبلیک، با ارائه تصویری از مراحل شکوفایی یک غنچه و تبدیل آن به گل سازمان، همراه با دیپتر تصاویر - از جمله تصاویر رفقا بیژن و بقیه در صفحه ۲

جشنهای بزرگداشت سالروز ۱۹ بهمن، سالروز بنیانگذاری سازمان باشکوه تمام در اکثر کشورهای جهان برگزار گردید. این جشنها تماما به عرصه‌هایی برای ابراز همبستگی - احزاب، سازمانها، جمعیتها و نیروهای دموکرات، ترقیخواه و صلح دوست جهان با مبارزات مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران، بدل گشت.

این حمایت گسترده و غرور آفرین از سازمان ما نتیجه و ثمره ۱۴ سال مبارزه پالنده و سترک آن است. کوشش می‌کنیم گوشه‌هایی از جشنهای سالگرد تولد این حماسه پویایی و بالندگی را در صفحات نشریه انعکاس دهیم.

سوئد

جشنهای چهاردهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوئد، در

"هلال طلایی" سرسخت

دلایان مواد مخدر در خدمت ضد انقلاب افغانستان

در صفحه ۹

مصاحبه "اکثریت" با نگوین سان بن

عضو کمیته مرکزی و عضو هیات دبیران حزب کمونیست ویتنام

خوانندگان خود با پیشرفت‌ها و مسائل کشورهای ویتنام، کامبوج، یمن دمکراتیک و نیکاراگوئه و با اوضاع کشورهای سوریه و عربستان سعودی با روای هیات‌های نمایندگی این کشورها مصاحبه کرده است. این رفقا، اوضاع کنونی کشور خود را تشریح کرده‌اند، جنگ ایران و عراق و استبداد حاکم بر کشور ما را محکوم نموده‌اند. آنها همبستگی خود را با مبارزه عادلانه مردم و نیروهای انقلابی ایران در برابر امپریالیسم، ارتجاع و استبداد اعلام کردند. این مصاحبه‌ها از این شماره به تدریج در نشریه درج خواهد شد.

بقیه در صفحه ۱۰

در روزهای ۲۰ تا ۲۲ دی ۶۳، بیستمین سالگرد تاسیس حزب دمکراتیک خلق افغانستان، باشکوه هرچه تماثر در کابل برگزار شد. هیات‌های بلندپایه بسیاری از احزاب کمونیستی و کارگری و جنبش‌های رهایی بخش ملی و مترقی، در این جشن شرکت کردند. برگزاری موفقیت آمیز این جشن باشکوه و شرکت نمایندگان بسیاری از احزاب کمونیستی و کارگری و جنبش‌های رهایی بخش در آن، نشانه تثبیت و گسترش انقلاب شور و شکست‌های بیشتر دشمنان آن است.

نشریه "اکثریت" به منظور آشنا کردن



* گسترش بازهم بیشتر سوانح حین کار

* شرط تازه برای استخدام

* شیوع بیماریهای واگیر

در استان ایلام

* شیوه جدید جمع آوری کمک برای جبهه

* اخباری از مزارس ایلخچی

در صفحه ۵

رسانه‌های فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

جشنهای چهاردهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان تجلی پوشکوه همبستگی بین المللی با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

بقیه از صفحه اول

بریتانیا

در تاریخ ۹ فوریه (۲۰ بهمن ماه) در لندن، جشن چهاردهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) با شرکت جمعی کثیری از دوستداران و علاقمندان ایرانی و بین المللی سازمان، باشکوه تمام برگزار شد.

جشن با سخنرانی یک رفیق فدایی آغاز شد. وی از شرکت کنندگان بخاطر ابراز همبستگی پرشورشان با سازمان و مبارزه خلقهای ایران تشکر کرد و ضمن اشاره ای کوتاه به اوضاع جهان و ایران به تاریخ مبارزات سازمان از آغاز حیات آن پرداخته و بر نقش فزاینده سازمان در گسترش و هدایت جنبشهای اعتراضی روز افزون کارگران و زحمتکشان میهنمان تاکید نمود. سپس رفیق کریس ماینر عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست بریتانیا سخنرانی کرد. رفیق ضمن تبریک سالگرد سازمان گفت: «ما به دستاوردهای عظیم سازمان جوانان شاد تمام عرصه های مبارزاتی ارج می نهیم و فرصت را غنیمت شمرده بیکار دیگر همبستگی کمونیستهای بریتانیا را با مبارزات کارگران و خلقهای ایران برای کسب آزادی و صلح و سوسیالیسم تحت رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران اعلام می داریم» و در ادامه سخنرانی با توضیحاتی در باره اعتصاب معدنچیان و همبستگی بین المللی با آنان بر ضرورت گسترش هر چه بیشتر این همبستگی تاکید نمود.



سپس پیام سازمان حزب توده ایران در بریتانیا توسط نماینده حزب قرائت شد. در این پیام با تشریح سیاستهای سرکوبترانه ربهبران جمهوری اسلامی به گسترش جنبش اعتراضی و نقش پراهمیت حزب و سازمان در بسیج توده ای اشاره شد و بر ضرورت وحدت سازمان و حزب به عنوان شالوده اساسی وحدت خلق تاکید نمود و با اهدای دسته کلی سالگرد سازمان رابه همه شادباش گفت.

سپس نماینده حزب کمونیست عراق در بریتانیا ضمن اهدای دسته گل و تبریک بمناسبت سالگرد بنیانگذاری سازمان، سیاستهای جنّت افروزان حکام ایران و عراق را محکوم کرده و همبستگی حزب خود را با فدائیان و توده ایها در مبارزه شان بر علیه حاکمیت ارتجاع در ایران اعلام داشت.

پیام شادباش کمیته حزبی حزب دمکراتیک

عبارت بودند از:

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد.
پیام حزب چپ کمونیست سوئد - در (نوربتن)
پیام حزب کمونیست عراق (در سوئد)
پیام حزب کمونیست شیلی (سوئد)
پیام حزب کمونیست شیلی (سوئد) در کوتبرگ
پیام حزب کمونیست بولیوی (سوئد)
پیام حزب کمونیست پاراگوئه (سوئد)
پیام حزب کمونیست اروگوئه (سوئد)
پیام حزب کمونیست اروگوئه (سوئد) در لوند
پیام حزب کمونیست السالوادور (سوئد)
پیام حزب کمونیست پیونان (سوئد)
پیام حزب کمونیست پیونان (سوئد) در کوتبرگ
پیام حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست (انقلابی) سوئد
پیام مرکزیت سازمان جوانان حزب چپ کمونیست (سوئد)
پیام حزب کمونیست کارگران سوئد در (کوتبرگ)
پیام حزب کمونیست کارگران سوئد (وستربتن)
پیام حزب کمونیست کارگران سوئد (اپسالا)

پیام حزب کمونیست کارگران سوئد (نوربتن)
پیام حزب کمونیست کارگران سوئد (امئو)
پیام حزب کمونیست کارگران سوئد (لوند)
پیام سازمان جوانان حزب چپ کمونیست سوئد - کوتبرگ
پیام سازمان جوانان حزب چپ کمونیست سوئد - نوربتن
پیام سازمان جوانان حزب چپ کمونیست سوئد - وستربتن
پیام سازمان جوانان حزب کمونیست شیلی در سوئد - اوستریولند

پیام کمیته صلح سوئد
پیام کمیته صلح سوئد - کوتبرگ
پیام کمیته صلح سوئد - امئو
پیام کمیته صلح سوئد - اپسالا
پیام کمیته صلح سوئد - لوند
پیام حزب سوسیالیست کردستان عراق - سوئد
پیام اتحادیه کارگران ترک سوئد
پیام سازمان دمکراتیک زنان ایران - سوئد
پیام اتحادیه زنان کرد - سوئد

پیام جبهه خلق برای آزادی فلسطین در سوئد (بخش استکهلم)
پیام جبهه خلق برای آزادی فلسطین در سوئد (کوتبرگ)
پیام اتحادیه دانشجویان انقلابی ائوپییائی در اروپا - سوئد

پیام اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا - سوئد
پیام سازمان دانشجویان عراقی - سوئد
پیام دانشجویان مارکسیست عراق - سوئد
پیام سازمان سودائیان پیشرو - سوئد
پیام سازمان حزب دمکراتیک بین النهرین سوئد.
مراسم جشن در میان پرشورترین احساسات و ابراز همبستگی عمیق حضار با مبارزات مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) پایان رسید.

حسن ضیاغریفی، تنظیرات مردم مبارز و قهرمان ایران - وضعیت جامعه در سالهای آغاز فعالیت سازمان، سیر ورود پیروزی مردم، نقش سازمان در پیروزی انقلاب شومند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، تکامل و اعتلای سازمان و فرارویدن آن به سازمان طراز نوین طبقه کارگران ایران، نشان داده شد. اجرای سرود بیژن و دیتر برنامه های هنری و فرهنگی با حضور هنرمندان ایرانی، یونانی و آفریقائی نیز شکوه خاصی به جشن داد. پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و نواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) بمناسبت ۱۹ بهمن به زبان فارسی و سوئدی و پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران، با استقبال فراوان میهنانمان جشن مواجه گشت.

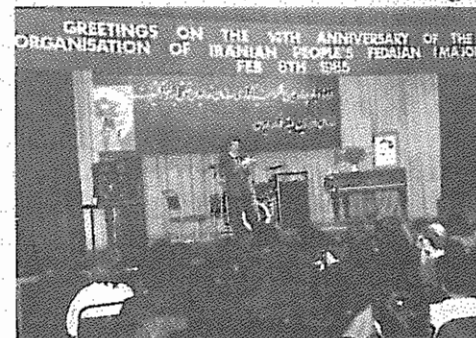


پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد و پیام مرکزیت سازمان جوانان حزب چپ کمونیست سوئد و پیام سازمان دمکراتیک زنان ایران توسط نماینده های آنان قرائت گردید. در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد آمده است: «وقایعی که در کشور شما جریان دارد، حاکی از اینست که طبقه کارگر ایران در مقابل رژیم خمینی تمکین ننموده است و از حقوق خود از طریق اعتصاب و حرکات اعتراضی دفاع می نماید. این وقایع همچنان نشان می دهند که در این مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران به همراه سایر نیروهای ترقیخواه نقش تعیین کننده ای ایفا می کنند.» در پیام حزب کمونیست شیلی (سوئد) آمده است:

«رفقاء، تریکات رژیم پویانه ما را از سوی حزب کمونیست شیلی بخاطر چهاردهمین سالروز تولد سازمانتان بپذیرید... ما به شرایطی که اکنون شما در آن فعالیت می کنید آگاه هستیم. ما همچنین می دانیم که سازمان شما در شرایط سخت گذشته نیز با قهرمانی در جهت تامین منافع مردم ایران مبارزه کرده است. ما به شما و مبارزه شما درود می فرستیم و آن را جز جدائی ناپذیر مبارزه کلیه نیروهای مترقی و در راس آن کشورهای سوسیالیستی، بخاطر صلح، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی می دانیم.»

پیام حزب کمونیست عراق توسط یکی از رفقای سازمان قرائت گردید. بدنبال آن پیامهای تریک و اعلام همبستگی با مبارزات عادلانه مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) که از سوی احزاب کمونیست و نیروهای دمکرات، انقلابی و صلح طلب، بمناسبت سالروز تولد سازمان دریافت شده بود قرائت گردید. پیامهای دریافت شده

خلق افغانستان در لندن توسط نماینده حزب به زبان فارسی در قرائت شد. در پیام آمده است که "ما سازمان شما را که با پیروی از ایدئولوژی مردمی، مترقی، مارکسیستی لنینیستی، استوارانه و پیگیر برای پاسداری حقوق اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر و زحمت‌شان ایران پیکار می‌نماید تقدیر می‌کنیم."



بعد پیام ارسالی کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی به سازمان قرائت شد که ضمن تهنیت به مناسبت سالگرد زادروز سازمان می‌نویسد: "مبارزات افتخار آفرین سازمان شما هیچ‌گونه شک و یابندگی و وفاداری و ایثارگری شما در مبارزه برای کسب استقلال و آزادی و سوسیالیسم باقی نمی‌گذارد. منافع کارگران و دهقانان ایران و همه خلقهای ایران در دستان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در امان خواهد بود."

پیام کنگره ملی آفریقا ANC توسط نماینده آن خوانده شد و از طرف ANC و مردم مبارز آفریقای جنوبی چهاردهمین سالگرد بنیان گذاری سازمان شادباش گفته شد. سپس پیام ارسالی از سوی اتحادیه معدنچیان بریتانیا - ناحیه کنت، در میان موجی از شور و هیجان و فریادهای حمایت از معدن چیان قرائت شد. در پیام، ضمن شادباش سالگرد تولد سازمان آمده است: "ما در طی سال گذشته از طریق تلاش‌های سازمان شما از اعتصابات پر شمار کارگران ایران، که مهمترین آن اعتصاب پانزده هزار کارگر ذوب آهن در اصفهان بود، باخبر شدیم. ما در اتحادیه سراسری معدن چیان به درخواست رفقای شما برای هم‌بستگی با این اعتصاب، با ارسال پیام هم‌بستگی با کارگران ذوب آهن پاسخ داده و همچنین از طریق سازمان شما نیز چندین پیام هم‌بستگی با اعتصاب خودمان از طرف کارگران ایران دریافت کردیم." و در پایان پیام افزود: "آنچه که مبارزات ما را به هم پیوند می‌دهد، نبرد مشترک ما علیه امپریالیسم می‌باشد. ما در این چهاردهمین سالگرد سازمانتان دست شما را در دوستی و هم‌بستگی می‌فشاریم."

هم چنین پیام‌های هم‌بستگی از سوی سازمان ضد استعماری لیبریشن، جبهه دمکراتیک خلق السالوادور و جبهه آزادیبخش فارابوندو مارتی (FDR-FMLN) کمیته هم‌بستگی برای حقوق سندیکیایی و دموکراسی در ترکیه (شعبه بریتانیا)، اعضا و هواداران حزب کمونیست اسرائیل در بریتانیا، انجمن دانشجویان کرد اروپا (شعبه بریتانیا) و حزب کار ایرلند داده شد. در فاصله پیامها، گروه کر سازمان و گروه موسیقی باربد، برنامه‌های موسیقی ایرانی و گروه موسیقی آرتری چند برنامه از جمله ترانه‌ای که برای زندانیان سیاسی ایران ساخته اند اجرا کردند و یک گروه موسیقی از

پرو موسیقی مبارزاتی و فولکلوریک امریکای لاتین را ارائه کرد، یک گروه موسیقی از ترکیه نیز به اجرای برنامه پرداخت همچنین مجموعه اسلایدی که نشانگر تاریخ مبارزات سازمان و پایگاه توده‌ای آن بود به نمایش گذاشته شد که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت.

جشن با خواندن سرود انترناسیونال توسط حضار به زبانهای مختلف پایان یافت.

ایتالیا

جشن چهاردهمین سالگشت تولد سازمان در روز ۱۹ بهمن (۹ فوریه) در محل فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا برگزار گردید.

در این جشن نمایندگان احزاب، سازمان‌ها، انجمن‌ها و نیز شخصیت‌های مترقی و دموکرات و چند صد نفر از ایرانیان مبارز شرکت داشتند. در آغاز جشن ابتدا تاریخچه سازمان و تحلیلی از اوضاع سیاسی ایران به میهمانان ارائه گردید. پس از آن پیام‌های همبستگی احزاب و سازمان‌ها توسط نمایندگان حاضر در جشن خوانده شد.

رفیق جولیا تاتی از دبیرخانه مرکزی سندیکیایی کارگری CGIL، بزرگترین سندیکیایی کارگری کشور ایتالیا پس از اظهار همبستگی کارگران ایتالیا با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ابراز داشت که بلافاصله پس از انقلاب به ایران سفر کرده است و امکان آن را یافته تا از نزدیک در جریان مبارز و قدرت فدائیان خلق قرار گیرد.

رفیق فونکی، مسئول (امور بین الملل) فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در رم، ماریو ماموکاری از اعضای رهبری "انجمن ملی پارتیزان‌های ایتالیا"، خوان برتینی از رهبران حزب کمونیست شیلی، گاسان از جبهه دموکراتیک ملی لبنان و رفیقی از سوی حزب کمونیست عراق - ایتالیا دیگر سخنرانان جشن بودند. در بخشی از جشن که به زبان فارسی اجرا گردید پیامهای فدائیان خلق - ایتالیا، حزب توده ایران - ایتالیا و تشکیلات دمکراتیک زنان در ایتالیا خوانده شد.

در فواصل پیام‌ها و سخنرانی‌ها، برنامه‌های هنری اجرا گردید تئاتر میمیک، موسیقی و آواز از یک گروه شیلیایی، موسیقی ایرانی، ترانه سروده‌های انقلابی فارسی و رقص قاسم آبادی، موسیقی آذری و نمایش لباس‌های خلقهای ایران بسیار مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. جشن با فراخواندن همه به مبارزه افشارگانه و ستر و باخواندن سرود انترناسیونال به پایان رسید.

از سوی سازمان‌ها، انجمن‌ها و شخصیت‌های زیر پیام‌های همبستگی با مبارزات مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به جشن چهاردهمین سالگرد تولد سازمان در ایتالیا ارسال گشت:

حزب کمونیست یونان - ایتالیا

حزب کمونیست شیلی - ایتالیا

حزب کمونیست عراق - ایتالیا

حزب دمکراتیک خلق افغانستان - ایتالیا

جبهه دمکراتیک لبنان - ایتالیا

دموکراسی پرولتاریا - فرا

فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا

فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در شهرهای رم، پادوا، پروجا، کاتانیا، مودنا، تورینو، تورنوا،

امیلیا، ناپل

فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا در شهرهای ناپل، فرا، بولونیا، تسو، رم - سندیکیای متحده فرا و وده‌های دیگر

برلین غربی

جشن چهاردهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان باشکوه تمام در برلین غربی برگزار گردید. این جشن با حضور میهمانانی از ملیت‌های گوناگون و چند صد ایرانی برگزار شد. محل جشن بوسيله آرم‌ها و شعارهایی مبنی بر محکوم کردن سیاست‌های جمهوری اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی، وضعیت زنان در کشورمان، به همراه شعارهایی در ارتباط با مبارزات طبقه کارگر ایران، وحدت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران، محکومیت سرکوب خلق کرد و لزوم تشکیل جبهه متحد خلق ترژین شده بود. عکس‌های رفقا روزبه و جزئی جلوه خاصی به جشن می‌بخشید. اجرای برنامه‌های متنوع هنری در فاصله بین پیام‌ها سخنرانی‌ها بر شور و شکوه جشن می‌افزود

در نول جشن پیام کمیته مرکزی به فدائیان خلق ایران به مناسبت سالگرد ۱۹ بهمن و پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی سازمان به زبان آلمانی خوانده شد. گروه کر نوشتین با اجرای چند سرود شدیداً مورد تشویق حضار قرار گرفت. سپس اقدامات و سیاست حکومت‌های ارتجاعی ایران و ترکیه در سرکوب خلق کرد محکوم گردید و چند ترانه کردی نیز اجرا شد. یک گروه موسیقی به نام Yaban-el (دست بی‌تانه) اشعاری از ناظم حکمت و برتولت برشت را به صورت سرود و ترانه‌های انقلابی اجرا کردند. رقص کردی توسط گروه جوانان "مرکز ترک‌ها" و اجرای چند قطعه موسیقی اروپای شرقی و اشعاری از برتولت برشت توسط یک گروه موسیقی آلمانی و دکلمه شعری از "مانی" از دیگر برنامه‌های هنری جشن بود.



اجرای رقص کردی در مراسم جشن

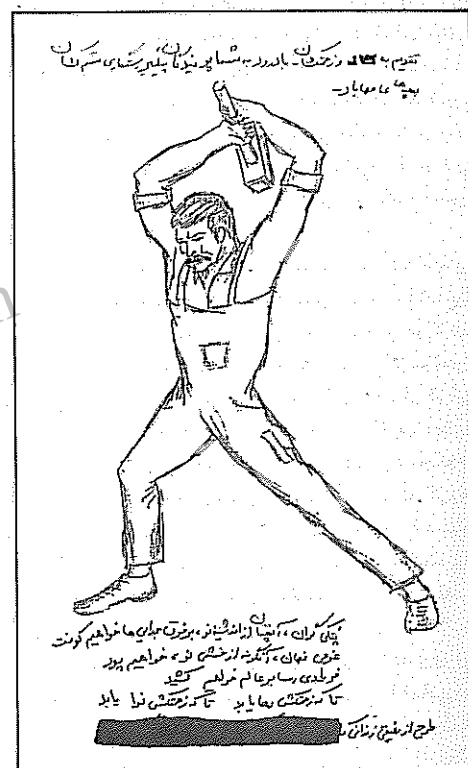
برخی از پیام‌های دریافت شده در جشن عبارت بودند از پیامهای:

- سازمان حزب کمونیست عراق - واحد برلین غربی
- حزب کمونیست ترکیه (اتحاد) - برلین غربی
- حزب ملی پاکستان و سازمان مترقی پاکستان - برلین غربی
- حزب کارگران و دهقانان پاکستان
- اتحادیه دانشجویان ویتنامی در برلین غربی
- اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا - برلین غربی

از میان نامه ها

نامه ای از مهاباد

از جانب چند تن از رفقای فدایی در مهاباد نامه ای با امضای محبت آمیز "بچه های مهاباد" به دست ما رسیده است که حاوی یک طرح زیباست. این طرح که از جانب رفقا به "نشریه کار و زحمتکشان" تقدیم شده است، به توسط رفیقی نقاشی شده که اکنون در چنگال دژ خیمان جمهوری اسلامی است.



نامه ای از تقی آباد شهری

"سه راه تقی آباد را به طرف تقی آباد ادامه می دهیم. این منطقه جدید ساخته شده است. مردم به دلیل اینکه نتوانستند در مرکز شهر و دیگر جاهای خانه تهیه کنند، این نقطه را که یک منطقه مزرعینی است، انتخاب کرده و هر کدام قطعه زمینی را به صورت قولنامه سه قباله ای خریده اند و نزدیک ۷ سال است که این منطقه درست شده است. مردم شهری مشکلات زیادی دارند و در مقایسه با شهری آنجا ده است. اگر در شهری آب لوله کشی دارند، هنوز بعد از ۷ سال مردم تقی آباد آب ندارند بلکه باید آب را بخرند. آن هم بوسیله تانکرهایی که معلوم نیست کی می آید. اگر روزی که آب فروش می آید خانواده ای نتواند آب بخرد باید چند روز را با بی آبی بگذرانند. یا تا شهر ری بیاید آب تهیه کند. مردم آب مصرفی برای شستشو را از جاهایی که می زنند تامین می کنند. آن هم آنقدر شور است که نگو و تازه هر سال باید دوبار چاه را عمیق تر بکنند چون آبش خشک می شود. بعد از

اعتراضی می کرد بنابراین فاصله دستگیر می شد. حساسیت اصلی کمیته روی افراد سیاسی و مبارز بود. آنها این طرف و آن طرف می کشیدند تا برای اتفاقاتی شکنجه و جوخه های اعدام روسایشان طعمه به چنگ آورند. از اواخر زمستان که ژاندارمری به جمع آوری مشمولین اقدام نموده در سطح شهر نیز جمع آوری مشمولین را کمیته به عهده گرفت. افراد کمیته شبها از دیوار خانه مردم بالا رفته و با قلدری تری منزلشان می رفتند و فرزندان آنها را با خشونت بیرون آورده و در سالن تربیت بدنی جمع می کردند. این حرکات به شدت نفرت مردم از آنها را بیشتر کرد.

کمیته بعد از این که یک مقداری پا گرفت شروع به عضو گیری کرد. تمام عناصر لومین و ضد انقلابی که قبلاً به دلایل فساد اخلاقی و انحرافات بسیار آشکار تصفیه شده بودند به سوی کمیته جذب شدند. کمیته از این افراد به گرمی استقبال نمود. به تدریج کمیته چپ ها با وارد کنندگان اصلی مواد مخدر به شهر روابط صمیمانه برقرار کردند. جوری با آنها صمیمانه رفتار می کردند که می دیدی شبها آنها را داخل ماشین کمیته نشاند و گشت می زدند!

وضع کنونی کمیته: افراد این کمیته هم اکنون با وارد کنندگان اصلی مواد مخدر بخصوص هروئین اقدام به توزیع مواد مخدر می کنند و این عمل باعث شده که تعداد افراد معتاد نسبت به قبل از تشکیل کمیته روز بروز بیشتر شود. اعتیاد در بین جوانان گسترش بی سابقه ای یافته است. اگر در این زمینه آمارگیری شود به یقین از هر ۲۰ نفر یک یا دو نفر معتاد شده اند که خیلی شان بعد از تشکیل کمیته به اعتیاد رو آورده اند. افراد کمیته از طریق قاچاق پول کلانی به جیب می زنند.

به موازات گسترش اعتیاد در سطح شهر، اعمال منافی عفت نیز گسترش می یابد. افراد کمیته خودشان به جاهایی که به بدنایمی مشهور است، رفت و آمد می کنند. فساد اخلاقی در بین افراد کمیته زیاد است. یک بار موردی از آن افشاد شد که تا چند روز مردم با انزجار تمام از آن صحبت می کردند. افشاشدن این مسئله باعث شد که افراد دخیل در آن مدتی در انظار عمومی چرات ظاهر شدن نداشته باشند.

نامه دوم:

وضعیت بسیج اقتصادی مشکین شهر

"... بسیج اقتصادی مشکین شهر ناشدنی مشتی افراد مرتجع و پول پرست است. اغلب سردمداران این نهاد از جمله عزیزی (رئیس)، موسوی زاده (معاون)، اسماعیلی (مسئول توزیع لوازم یدکی و لاستیک) عناصری هستند که از شروع کار بسیج اقتصادی به فکر مال اندوزی و سوء استفاده بودند. این افراد از طرف همتی که نماینده مشکین شهر در مجلس است، حمایت می شوند و علی رغم اعتراضات مردم توانسته اند در پستهای خود باقی بمانند.

جریان انتخابات و رسوا شدن آن، موجی از اعتراض توده ای را در شهر برانگیخت. و ابراز تنفر نسبت به مسئولین و گردانندگان امور شهر کاملاً جنبه علنی به خود گرفت. مردم همه جاهتمتی و عزیزی را بطور علنی زیر فحش و ناسزا می گرفتند، آنها را دزد و قلدر می نامیدند، دزدبها و سوء استفاده های آنها را

۷ سال به زور و گرفتن پول از مردم و هزار تنق و نق برای خانه های آنجا کفطور کشیده اند آن هم به قیمت گرانی. مردم چندین بار به شهرداری و سازمان آب هجوم برده اند و تظاهرات بپا کردند که تا بالاخره برق گرفتند. از رفت و آمدش بگویم که باید با این سر محله پیاده شد که سه راه تقی آباد می گویند یا آن سر که قلعه کبری می گویند به داخل این محله تاکسی نمی رود. اتوبوس نیز ندارند. مردم تقاضاهای مکرر خود را به شهرداری برای اتوبوس شرکت واحد فرستاده یا خود به آنجا رفته اند ولی تاکنون ترتیب اثر نداده اند. خیابان های به اصطلاح اصلی آن بعد از خیلی رفت و آمدها و دوندگی ها درست شده ولی خیابان فرعی آن هنوز آسفالت نشده مردم از نظر مادی خیلی در سطح پایینی هستند. شراره چه می آورد خود و دوستانش بالا می کشند و ته مانده هایشان به مردم می رسد. در این جا اگر کسی مریض شود باید به شهری رود چون حتی یک مطب نیست چه رسد به مرکز بهداشتی و اورژانس و غیره. اگر زنی خواست زایمان کند او را با آن حال باید به آنجا ببرند یا در خانه زایمان کند. افغانی در آنجا خیلی زیاد است خیلیهاشان خانه خریده اند و اتفاقات خیلی زیادی افتاده است که مسبب آنها در میان همین افغانی ها هستند. دزدی، فحشاء، بریدن دست زنان بخاطر طلا و دزدی بچه و امثال آن. اما کسی کاری به کار آنها ندارند. پاسدارها به این دزدها می گویند برادرهای مجاهد..."

دو نامه از مشکین شهر

نامه اول: گزارشی در مورد "کمیته انقلاب اسلامی مشکین شهر"

"... در شهر ما مردم مثل جاهای دیگر از کمیته که هنوز فریبکارانه نام انقلاب را بیدک می کشد، متفرند. در مشکین شهر، هرفساد، دزدی و جنایتی را اگر بخواهیم سرخ اصلی اش را پیدا کنیم، باید به سراغ کمیته برویم.

کمیته مشکین شهر از اول این طور نبود. در روزهای اول انقلاب افراد صادقی در آن شرکت داشتند اما چندی طول نکشید که فردی به اسم ملاهمتی رئیس آنها شد و کمیته رودر روی مردم ایستاد. یک مدتی مشکین شهر کمیته نداشت. به دنبال یک سری درگیری که با مردم بر سر سوء استفاده شهر پیش آمد کمیته منحل شد.

در اواخر پائیز پارسل پنج شش نفر از تبریز برای تشکیل کمیته به مشکین شهر آمدند. این افراد بیشتر از اعضای کمیته ۶ تبریز بودند که توسط حاجی محمد که به قشریت سخت مشهور است، هدایت می شوند.

پس از تشکیل کمیته اعضای آن برای مطرح کردن خود در سطح شهر شروع به دادن مانور و قدرت نمایی کردند و نیز می گفتند آمده اند تا جلوی فساد را بگیرند. هر روز تعدادی معتاد و قمارباز را دستگیر نموده و در چهارراه اصلی شهر شلاق می زدند. این کمیته کلیه امکانات ورزشی و تفریحی جوانان شهر را از قبیل پینگ پنگ، فوتبال دستی، والیبال و... که با همکاری یکدیگر درست کرده بودند با خشونت جمع آوری کرد و هرکس که کوچکترین

شیوع بیماریهای و اگیر در استان ایلام

در استان ایلام که از مناطق جنگی کشور محسوب می‌شود، بیماری‌های و اگیر شیوع فراوانی یافته است. در منطقه کونده، حصه، تپ رود ای، زرده یرقان و... در مناطق گوران و مامیدشت بیماری عاری شیوع پیدا کرده است. در حالیکه اینگونه بیماریها سلامت مردم، بویژه کودکان را جدا به مخاطره انداخته، دولت از هر گونه اقدام درمانی و پیشگیرنده خودداری کرده است. مردم این مناطق به درستی دولت را مسبب بروز این وضعیت فاجعه بار می‌دانند. در بین مردم منطقه گفته می‌شود که برخی از این بیماریها ناشی از تشنگی اجساد است که در سترها و میادین جنگی رها شده‌اند.

شیوه جدید جمع آوری کسب برای جبهه

مدتی است که به ملاقاتی‌های زندانیان سیاسی در زندان تبریز اجازه داده می‌شود که در ملاقات و مسائل مورد لزوم زندانیان را از قبیل پتو، لباس و... تحویل دهند. این "خوش رفتاری" زندانبانان اگر چه بکلی غیرعادی بود ولی از سوی خانواده‌ها مورد استقبال قرار گرفته بود.

اخیرا علت این "خوش رفتاری" زندانبانان روشن شد. جریان بدینگونه بود که وسائل دریافتی ابتدا به زندانی تحویل داده می‌شد و او آنرا به سلول خود منتقل می‌کرد. سپس در بازرسی نوبتی سلولها، که هر دو هفته یکبار صورت می‌گیرد، مأمورین همه این وسائل را تحت عنوان کمک به جبهه جمع آوری کرده و با خود می‌بردند. "خوش رفتاری" زندانبانان در حقیقت جز کلاشی آشکار و بی پرده از خانواده زندانیان چیز دیگری نبود.

اخباری از مزارس ایلخچی

اداره آموزش و پرورش طی بخشنامه ای دستور داد کلاس‌های کمتر از سی و پنج نفر را منحل نمایند. در پی آن در ایلخچی، سال اول تنها دبیرستان رشته اقتصاد (پسرانه) را منحل کردند. غالب دانش آموزان به ناکزیر ترک تحصیل کردند. کسانی که بخواهند ادامه تحصیل دهند مجبورند هزینه و مشکلات آمد و رفت دائمی به اسکور تحمل کنند.

در سال گذشته دبیرستان اقتصاد دخترانه را هم منحل کرده بودند. در دبیرستان طباطبائی دانش آموزان بالاچار باید امروز ظهرها نماز بخوانند. در غیر اینصورت اخراج می‌شوند. هر روز صبح نیز باید مدتی طولانی در هوای سرد سخرانی‌های خسته کننده و تکراری دبیر تربیتی را تحمل کنند. از آخرین ابتکارات منصوبین آموزش و پرورش در این دبیرستان آنست که دانش آموزان را وادار می‌کنند پیش از ورود به کلاس درس وضو بگیرند.

در آذرماه، دختر دانش آموزی در یکی از دبیرستانهای دخترانه این شهر بی توجهی کرده بود و چند تار موی او از زیر مقنعه بیرون زد. توسط دبیر دختران دیده شد. خبر که به معاون مدرسه رسید این دختر را با توهمین ضرب و شتم به دفتر کشاند و تنها پس از اینکه از او تعهد گرفتند که از این پس دست از "فساد" بردارد، از اخراج او منصرف گردیدند.



گسترش بازهم بیشتر سوانح حین کار

در اواسطی ماه در کارخانه البرز دست یکی از کارگران زیر پرس رفته و له می‌شود. از آنجا که از سوی سرپرستی کارخانه هیچگونه تدبیر ایمنی پیش بینی نشده بود، انتقال این کارگر به بیمارستان بامدتی طولانی تاخیر صورت پذیرفت. تنها آمبولانس موجود در کارخانه نه راننده داشت و نه بنزین. پس از اینکه به ترتیبی که بود کارگر مصدوم را با یاری دبیر کارگران به بیمارستان هفت تبر رساندند، مسئولین این بیمارستان از پذیرش و معالجه او خودداری می‌کنند. پس از آن به ناچار تا ساعتها در جستجوی بیمارستانی بودند که بپذیرد این کارگر را معالجه نماید. مسئولین سه بیمارستان دیگر هم از پذیرش او سر باز زدند، بالاخره با مشکلات بسیار توانستند او را در یکی از بیمارستانها بستری کرده و تحت درمان قرار دهند.

لازم به ذکر است که علاوه بر فقدان وسائل ایمنی در کارخانجات کشور، کارسنگین و یادداشت و اضافه کاری از جمله علل مهم بروز سوانح حین کار می‌باشد. خستگی حاصله از کار شاق طولانی باعث می‌شود از دقت کار کاسته شود. کارگران با اینکه با این واقعیت آشنا هستند، اما بخاطر ناچیز بودن دستمزدهای دریافتی ناچار می‌شوند به اضافه کاری و حتی تار دوشیفته تن بدهند. کارگر مصدوم کارخانه البرز نیز در حین اضافه کاری دچار سانحه شده بود.

شرط تازه برای استخدام

اینک از زمانی که عدم دخالت در امور سیاسی و زندگی اجتماعی از معیارهای رژیم جمهوری اسلامی برای گزینش افراد مطمئن و شناخت شهروندان قابل اعتماد محسوب می‌شود، مدتها گذشته است. اکنون چندی است که برای اطمینان نسبت به بی خطی و بی توجهی سیاسی افراد معیاری را برگزیده‌اند. این معیار دنیا لروی از مدروز و رایج در کشورهای غربی است. پیروی از مدهائی از قبیل پانک و... باعث

جلب اعتماد سردمداران و مفتشین حکومتی می‌شود و کار استخدام در واحدهای دولتی را تسهیل می‌کند. اینگونه افراد نیز مانند "حزب الهی‌ها" می‌توانند نسبت به قبولی در امتحانات گزینش- که همان تفتیش عقاید است- مطمئن باشند. نمونه ای از آن استخدام هائی است که در آبان ماه در کارخانه پارس الکتریک صورت گرفت. در آنجا این بار بجای مصاحبه ایدئولوژیک و توجه به نحوه پاسخ به سوالات در زمینه چگونگی کفن و دفن و امثال آن، به سرو وضع افراد دقت می‌کردند. کسانی که خود را به شکل‌های مبتذل مدهای غربی آراسته بودند، از سد گزینش گذشته و به استخدام درآمدند.

اختلافهایشان را افشای کردند و خواهان محاکمه* عزیزی به علت سو* استفاده‌های نامبرده در مساله سیمان و تیر آهن و کالاهای دیگر بودند.

با توجه به چنین جوی باز پرس مشکین شهر (سلماسی) با حمایت پنهانی رئیس دادگاه انقلاب (ملاحسینی)، رئیس شهربانی و باستانی (که اکنون رئیس شهربانی امر است) و عده ای دیگر از مخالفان همتی شروع به جمع آوری اسناد و مدارک و شکایات مردم علیه عزیزی و شهردار کردند. شهردار که موحدی نام داشت از فامیلهای همتی است. او به دنبال محاکمه و زندانی شدن از پست خود برکنار گردید.

مردم از هر طریق ممکن شکایات خود را به دادگستری می‌رساندند. حتی افرادی از درون بسیج اقتصادی که مخالف عزیزی و معاون وی بودند، حواله‌های جعلی ای را که از طرف عزیزی صادر می‌شد، مخفیانه به دادگستری ارجاع کردند. دادگستری مشکین شهر پس از تنظیم پرونده عزیزی را بازداشت کرد. اتاق پرونده‌های بسیج اقتصادی نیز لاک و مهر شده است.

عزیزی در بازجویی خود گفته است: "من تنها نیستم. ما عده ای هستیم که همه آنها در دزدیها دست دارند و باید همه آنها دستگیر شوند."

موارد سو* استفاده* عزیزی به شرح زیر است: ۱- مقدار ۱۶ تن تخم مرغ سهیمه* شهر را توسط فردی به نام فتاحی که از بازاریان طرفدار همتی و عامل توزیع مواد غذایی در شهر است، بدون این که به مشکین شهر بیاورد در اردبیل بصورت آزاد فروخته است. موقعی که این سو* استفاده* کلان صورت می‌گرفت، یکی از عاملین فروش مواد غذایی شهر از قضیه خبردار شده بود. عزیزی و فتاحی ۱۷ هزار تومان به او حق السکوت داده بودند تا موضوع را افشا نکند.

۲- فروش هزار کارتن ساندیس سهیمه ای که در تبریز فروخته شده است. عزیزی حواله* ساندیس را به نام احمد دوشابچی که فرد مجهول الهویه ای است صادر کرده بود. این فرد که بعدا* معلوم شد همان فتاحی همکار عزیزی بوده است هزار کارتن ساندیس را تحویل گرفته و در تبریز فروخته بود.

۳- فروش آپلیموی یک و یک، کت و شلوار دوخته و ساعت مچی سهیمه ای که توسط یکی دبیر از باند های عزیزی انجام گرفته است. اعضای این باند معتمدی (کارمند فرمانداری- مسئول وسائل سهیمه ای) و غلام تبریزی (عامل فروش ساعت سهیمه ای) بوده‌اند.

۴- فروش ۶۰ شاخه تیر آهن بطور آزاد که باز حواله* آن به نام افراد مجهول الهویه صادر شده است.

۵- عزیزی مقدار زیادی از تیر آهن‌ها را به افراد فامیل و دوست و آشنایان خود فروخته بی آنکه نوبت آنها رعایت شود. گفته می‌شود ۷۰ درصد سهیمه* تیر آهن مشکین شهر به این شیوه توزیع شده است.

درست است که اگر اختلافات درونی مسئولین نبود و اکثر مسئولین شهر یکپارچه بودند دست این دزدها شاید به این زودیها رونمی‌شد، اما علت اصلی افشای این افراد فعالیت مردم بود. مردم مشکین شهر اکنون به خوبی واقف شده‌اند که رژیم چه افرادی را بر مصدر امور می‌نشاند. مردم پی برده‌اند که رژیم حامی غارتگرها و رشوه خوارها و سو* استفاده چی‌هاست. وقتی پتو عوامل رژیم روی آب می‌افتد مردم بیشتر از رژیم متنفر می‌گردند... *

گزارشی از وضعیت جوانان در شهرستان ارومیه

بقیه از صفحه اول

جمله هناره، جهانگیری و... آنها را از روستاهایشان بیرون کرده اند، تشکیل داده اند.

جوانان ارومیه در روزهای انقلاب

هنگام با انقلاب جوش در این شهر نیز آغاز شد. دیوارهای سکوت شکست و خروشی راسطین افکن گردید. شعارها بر دیوارها نقش بست و دستها در هم گره خورد. حرکت آغاز شده بود. هر روز صبح در خیابانهای شهر نمایش اردوی خلق برپا بود. انبوه جمعیتی که از نقاط پاد شده می آمدند، در مرکز شهر به سیل خروشان جمعیت می پیوستند. فریادهای جوانان به غرش این سیل طنین ویژه ای می بخشد. آنها با زور و بازوی هم و در صفی منظم بسان گردانهای رزمی، پای کوبان و شعارکوبان خیابانهای عسکر آبادی، باکری، رضایی، حافظ، زنگنه و دانشکده را در هم می شوریدند و سرکوبگران خلق را به هزیمت وامی داشتند. آنها یکپارچه شور و شوق بودند و نفس گرم و جوانشان را در جان انقلاب می دمیدند.

ارتجاع دستاوردهای انقلاب

را از میان برد

انقلاب آمد، آرزوها و امیدها جوانه زدند و از بوی شکوفه های خود فضا را عطر آگین ساختند، اما خائنین نکلا اشتند این شکوفه ها به بار بنشینند. جوانان می خواستند برای تشکیل خود، برای آموزش خود و برای شادابی جسم و جان خود کانون ها و مراکز فساد را که رژیم سرتکون شده شاه برای تخدیر اذهان آنها ساخته بود، کاملاً از پلشتی ها بزدابند و در راستای انقلاب از آنها بهره گیرند، اما ارتجاع بر روی همه آنها چنگ انداخت.

از همان روزهای بعد از پیروزی، دسایس شروع شد. ملاحسنی، آخوند مرتجعی که "والی" شهر ارومیه است، تنها ورزشگاه شهر را به مقر فرماندهی و اسکان نیروهای نظامی خود تبدیل کرد، "کاخ" جوانان" به کمیته و قرارگاه کمیته و سپاه تبدیل شد، تنها کلاس موسیقی شهر تعطیل گردید، خانه جوانان حکم تعمیرگاه و ستاد مرکزی "جهاد" ریافت. کانون کارآموزی جوانان تا مدت ها بسته ماند و بعد که باز شد تنها می توانست ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر را جوابگو باشد.

باقیمانده منابع فولکلور و فرهنگ ملی به همراه سایر کتابهای علمی که از زیر دست سانسورچیان شاه در رفته بود از تنها کتابخانه بزرگ شهر جمع آوری شد و جای آنها را کتابهای ضد علمی، ضد فرهنگی و مطالب آلوده به خرافه گرفت. مرکز فرهنگ و تئاتر شهر که جوانان امیدوار بودند آنها را در خدمت هنر انقلابی قرار دهند به جولانگاه جمعیت قلبی که "هنر" شان به روی صحنه آوردن چند کار تخریب خوانی و روضه بود، تبدیل شد. از سینمای شهر چهار تری آن مدت ها بسته ماند و زمانی هم که باز شد "توبه نصوح" و "برزخیا" را به روی اکران آوردند. کانون بیکاران را که در جریان انقلاب، جوانان دیپلمه و

آنها می خواستند که نظام آموزشی قبل و بعد از دانشکاه تغییر بنیادی یابد، امکانات آموزش عالی از جنبه کیفیت آموزشی، چگونگی پذیرش و تعداد پذیرفته شدگان پاسختوی نیازهای کشور باشد، مدارس فنی و حرفه ای در جنب واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی ایجاد شده و گسترش یابد، برنامه ریزیهای آموزشی مطابق با نیازهای واقعی بخشهای صنعت، کشاورزی، خدمات باشد، حق تشکلی و تشکلی سازمانهای صنعتی آنها تامین و محفوظ باشد، هنر، ادبیات و ورزش جایگاه اصلی خود را در زندگی جوانان باز یابد، به بیکاری میلیونها نفر نیروی فعال جوان پایان داده شود و...

اما با خیانت رهبران جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب و تسلط ارتجاع در حکومت، این خواسته های برحق بی پاسخ ماند. مدارس و دانشگاهها به مراکز نشر و اشاعه آموزش های غیر علمی و نشر خرافه و اندیشه های ارتجاعی بدل شدند، برخیل بیکاران افزوده شد، میزان اعتیاد در میان جوانان بالا رفت، صدها هزارتن از جوانان در جنگ کشته و یا معلول شدند و هزاران نفر از آنها به خاطر دگراندیشی و تعهد به انقلاب، به زندان افکنده شده و یا اعدام گردیدند، مراکز فرهنگی، هنری و ورزشی یا برچیده شد و یا زیر سلطه ارتجاع درآمده و در مجموع چشم انداز رشد و ترقی و برخورداری از یک زندگی بهنجار از جوانان گرفته شد.

در زیر گزارشی می خوانید از وضع جوانان ارومیه، یکی از شهرستانهای میهن مان. این گزارش جلوه هایی از وضعیت دردناک جوانان را در سرتاسر کشور، بازتاب می دهد.

وضعیت جوانان ارومیه

به عنوان نمونه ای از وضعیت عمومی

جوانان کشور

شهرستان مرزی ارومیه در شمال باختری کشورمان و در مسایکی ترکیه و عراق قرار دارد. این شهرستان از طریق جاده های جنوبی خود پل ارتباطی بین کردستان شمالی و سایر استانهای کشور محسوب می شود.

در طول ش سال گذشته جمعیت شهر مانند دیگر مراکز استانهای کشور به خاطر سیل مهاجرت روستاییان و اسکان آنها در قسمتهای حاشیه ای از قبیل علی آباد، قره لر، بدل آباد، داغ، حسن آباد، اسلام آباد، صومون آباد و... بیش از دوبرابر شده است. ساکنین این حلبی آبادها را که بر پشت همگی شان اثر تازبانۀ خان نقش بسته و بر کف دستشان پینه ستم سرمایه کارگران کوره پزخانه ها، کارگران کارخانه پاکدیس، کارگران شهرداری، کارخانه قند، شیر پاستوریزه، دخانیات، سبزه پاک کنی ها، دهقانان بی زمینی که به کار فصلی مشغولند، معلمین، دست فروش ها، دکه دارها و جمعیت انبوهی از خانواده های کرد که قنود الهای منطقه از

لیسانسه های غیر شاغل برای سازمان دادن مبارزه صنفی و تامین حداقل حقوق خود تشکیل داده بودند، متشتت ساخته و از بین بردند و در مراکز "تعاونی" گسترش خدمات تولیدی که عده ای از جوانان در آنها مشغول به کار بودند عملاً سیاستی را به پیش بردند که یا "تعاونی" منحل شد و یا اعضای آن به کارگر مزد بگیر تبدیل شدند و...

دختران جوان نیز به کلی از ورزش محروم شدند، بعدها که بر اثر تلاش و پی گیری شان محلی به ورزش آنها اختصاص یافت یکی از ورزشکاران فاسد گذشته را مسئول امور مربوط به آنها کردند تا بدینوسیله ورزش دختران را که تنها امکان ارتباط آنها با بیرون از چهار دیواری کلاس مدرسه و خانه بود، به تعطیلی بکشاند. در سال ۶۲ بسیاری از دختران ورزشکار تربیت بدنی شهر را مامها بازداشت و تحت بازجویی قرار دادند. "مرکز رفاه خانواده" که کلاسهای آموزش "فنی" (خیاطی، بافنی، آشپزی) برای زنان و دختران داشت، جوانان دانش آموز را راه نمی داد و بر اثر سیاستهای مسئولین اداره کار محل، چند مرکز وابسته به این اداره که وظیفه ای مشابه "مرکز رفاه" داشت به تعطیلی کشیده شد.

در امر سرکوب خلق کرد، حسنی آتش بیمار معرکه بود. او کینه ای بی پایان نسبت به این جنبش و هرگونه حرکت مردمی داشت. او می کشید بخشی از جوانان را که فریب خاکمیت راحی خوردند با اغفال و با اجبار در درگیریهای کردستان به کشتن دهد. آن دسته از جوانان مبارز مسلمان نهاد های انتظامی که از آغاز با سیاستهای رژیم در کردستان مخالف بودند، یکی پس از دیگری تصفیه شدند. در کمیته و سپاه پاسداران ارومیه این تصفیه ها بسیار چشمگیر بود.

جوانان ارومیه

از جنگ افروزیهای رژیم متنفرند

ارومیه به لحاظ موقعیت منطقه ای (هم مرزی با عراق و ترکیه و مجاورت با کردستان) یکی از مراکز بود که مستقیماً درگیر جنگ بوده است. مردم این شهر در چهار سال گذشته تقریباً هر روز شاهد تشیع جنازه جمعی از فرزندان جوان و نوجوان خود بوده اند.

اکنون مدتهاست که مردم با قطع کمکهای خود، مخالفت خود را با ادامه جنگ نشان می دهند. دیگر کسی حاضر نیست به جبهه برود؛ اکنون حتی در پایگاههای بسیج محلات نیز به صورت علنی با اعزام به جبهه مخالفت می شود. جوانان پایگاههای محله صومون آباد، شیخ تپه در مقابل درخواست رسمی بسیج منطقه جهت اعزام به جبهه، آشکارا اعلام داشتند: ما به جبهه نمی رویم! و برای اینکه نشان دهند در عزم خود مصممند همانجا سلاحشان را تحویل داده و پایگاه را ترک نمودند. در محلات دیگر شهر نیز واکنش مشابهی از طرف جوانان صورت گرفت، در شهرک فرهنگیان جوانان منطقه در جواب بسیج پاسخ دادند: ما می خواهیم درس بخوانیم، ما نمی خواهیم

جنگ بکنیم، والدین ما با شرکت ما در بسیج و جبهه مخالفتند.

سپاه، شهربانی، ژاندارمری وقتی می بینند که حتی از میان خود افراد پایگاههای محلی نیز نمی توانستند نیرو برای اعزام به جبهه جذب کنند، تصمیم می گیرند گروههای گشت و شکار جوانان را در سطح شهر و روستا راه بیاورند. تعقیب و گریز آغاز می شود، در سطح شهر سینماها، مجامع عمومی، مراکز تجمع جوانان ورزشکار، خیابانهای که آنها مشغول دستفروشی هستند و منازل مشمولین را تحت نظر می گیرند و کسانی را که "مظنون" تشخیص می دهند، دستگیر کرده و به زور برای شناسایی به حوزه نظام وظیفه، سپاه و یا شهربانی شهر می برند. مسئولین جلب مشمولان وقتی که بعد از تحت نظر گرفتن منزل و پرس و جو از همسایه ها از ردیابی فرد مشمول مایوس می شوند، والدین آنها را به عنوان گروگان دستگیر می کنند تا محل زندگی فرزندان "فراری" خود را لو دهند. وقتی که در یکی از محلات، والدین عده ای از جوانان روستایی و شهری را بعد از بازجویی در کلانتری منطقه به حوزه نظام وظیفه می برند، رئیس حوزه برای ارباب و تهدید والدین جوانان می گوید: "شما را به جرم همکاری با فراریان بازداشت خواهم کرد، مگر اینکه فرزندان خود را متقاعد کنید تا با پای خود به جبهه بروند!" پدری از میان جمع والدین پاسخ می دهد: "بچه های ما خودشان عاقل هستند و خودشان می دانند چه باید بکنند"

ژاندارمری که سالها تجربه در جلب "مشمولین فراری" دارد، بعد از ماهها جنگ و گریز با جوانان مشمول یکی از روستاهای جاده دریاچه ارومیه، بالاخره به این نتیجه می رسد که باید با طرح و برنامه آن هم در چند مرحله به مصاف با مشمولین برود. در همین اواخر ژاندارمها پس از شناسایی محل تجمع جوانان روستای یادشده، بطور مخفیانه پشت درختان محل بازی والیبال کمین می کنند. هنگامی که تعداد جوانان کافی تشخیص داده می شود، از پشت درختان بیرون آمده و با یک یورش ۸ نفر از آنها را دستگیر کرده و کسانی را که مشمول بودند بلافاصله بدون اطلاع خانواده آنها به پادگانهای آموزشی اعزام می کنند.

در مرحله بعدی این عملیات، ژاندارمری همین محل مینی بوسی را غافلگیرانه در جاده متوقف کرده و سرشنینان آن را به پایین می کشد. از بین مسافرین عده ای از جوانان را به همراه راننده به اتهام فراری دادن مشمولین و عدم ارائه کارت معافی دستگیر می کنند و ماشین و بقیه مسافرین را سرگردان و به تنگلیف در جاده رها می سازند.

اهالی روستای نزدیک به محل ماجرا، در طی کشاکش بین مسافرین و ژاندارمری از موضوع باخبر شده؛ هنگامی با هم در مقابل مامورین می ایستند و از آنها می خواهند که جوانان دستگیر شده را به همراه راننده آزاد کنند؛ افراد ژاندارمری مجبور می شوند برخی از جوانان را به همراه راننده مینی بوس آزاد کنند. در پی این ماجرا سپاه برای شناسایی و دستگیری افراد روستاهای منطقه دست به اقدامات گسترده ای می زند.

ژاندارمری پاسگاه جاده سرو-نازلوچای به همین شیوه ولی در سطحی گسترده تر دست به عملیات دستگیری مشمولین می زند. شروع عملیات، با محاصره

یکی از روستاهای منطقه آغاز می شود. آنها خانه ها را یک به یک می گردند. اما جوانان روستا که از ماجرا مطلع شده بودند قبل از آغاز عملیات از محل گریخته بودند. عده ای از آنان به کارگران یک شرکت در منطقه پناه می برند؛ کارگران که مطمئن بودند مامورین برای تعقیب این عده به محل تجمع آنها خواهند آمد، از جوانان می خواهند "لباس کار" بپوشند. مامورین از راه می رسند ولی موفق به شناسایی آنها نمی شوند. بعد از رفتن مامورین، آنها را به محل امنی روانه می کنند. رئیس حوزه نظام وظیفه در شکایت از بی حاصلی عملیات مامورین خود می گوید: "در طی ۶ ماه اول سال جاری از شهری با جمعیت بیش از ۶۰ هزار نفر نتوانسته ایم بیشتر از ۶۰ نفر به خدمت سربازی اعزام کنیم." این اعتراف شاید با واقعیت فاصله داشته باشد اما نشان دهنده مقاومت گسترده ای است که جوانان علیه جنگ صورت می دهند.

وضع جوانان در مدارس

از میان مدارس شهر ارومیه برخی از آنها از جمله شرف، مهرولیا (مدارس دخترانه) و معنوی، فردوسی، هنرستان مطهری و دبیرستان شریعتی (پسرانه) نقش اساسی در سازماندهی مبارزات صنفی و سیاسی دانش آموزان شهر دارند. دانش آموزان مدارس یاد شده به همراه دیگر دانش آموزان در راه انداختن حرکات اعتراضی علیه رژیم منفور شاه نقش ارزنده ای ایفا کردند. بعد از انقلاب نیز آنها به تلاش و کوشش خود در راه حفظ پاسداری از دستاوردهای انقلاب پرداختند و در این راه چه فدakarها که نکردند!

انحصارطلبان و قشربونی چون حقیقت و صمدی (از مدیران کل آموزش و پرورش بعد از انقلاب) و دار و دسته آنها در کنار حسنی امام جمعه شهر تاملی توانستند بر دامنه ایجاد تشییقات در زمینه فعالیت جوانان می افزودند. آنها در مقابل خواسته های به حق دانش آموزان مبنی بر حل و فصل مسایل و مشکلات آموزشی شهر از جمله تغییر ساعات درس و شروع کلاس ها، یکسره کردن مدارس، تغییر ضوابط حاکم بر مدیریت مدارس، رسیدگی به مشکلات دانش آموزان روستایی که بسیاری از آنها در طول هفته حتی یکبار نمی توانند غذای گرم بخورند، و... جز مخالفت لجوجانه هیچ پاسخی نداشتند که بدهند. در واکنش به موج اعتراضاتی که از سوی دانش آموزان برخاسته بود، بسیاری از آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و عده ای را از مدارس اخراج کردند. با همه اینها، دانش آموزان ایستادند و مسئولین آموزش و پرورش را مجبور به قبول مناظره تلویزیونی پیرامون طرح خود و بررسی مشکلات دانش آموزان نمودند و بدینوسیله توانستند حداقل خواسته های خود را با مردم شهر در میان بگذارند.

این مبارزه امروز نیز با وجود جو خفقان و سرکوبی که بر مدارس سایه افکنده همچنان جاری است و مسئولین "آموزشی"، "تربیتی"، "انضباطی"، "امنیتی" و... به اشکال گوناگون تلاش می کنند که جلوی آن را بگیرند. در همین رابطه مکاتبات محرمانه بین انجمن اسلامی مدارس با ارگانهای امنیتی و بخش نامه های محرمانه از طرف

آنها به مدیران مدارس مرتباً در جریان است.

دانش آموزان علیه جنگ

امسال همزمان با باز شدن مدارس، فعالیت نهادهای یادشده نیز شروع می شود. "ستاد امنیت" بهخشنامه محرمانه ای به تمامی مدیران مدارس شهری و روستایی در سطوح مختلف تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان) فرستاده و از آنها خواسته است فعالیت سازمانهای سیاسی مترقی را در رابطه با "هفته جنگ" زیر نظر داشته باشند.

علی رغم همه اقدامات آشکار و نهان ارگانهای امنیتی، تبلیغات دانش آموزان علیه جنگ در سالگرد این بلای خائنانسوز بسیار چشمگیر بود. دانش آموزان در تبلیغ علیه جنگ، از حمایت والدین خود برخوردار بودند.

مدیر یک مدرسه راهنمایی برخورد مادر یکی از دانش آموزان با مساله نوشتن اسم فرزندش برای اعزام به جبهه را چنین توصیف می کند: "مادر یکی از دانش آموزان مدرسه، چادر به کمر زده و فریاد زنان از در مدرسه وارد شد، در حالی که یکر است به طرف اتاق من می آمد زمین و آسمان را فحش می داد و به آنهایی که بچه اش را راضی کرده بودند تا به جبهه بروند، نفرین می فرستاد. برای فرونشاندن خشمش به استقبالش رفتم، تا مرادید خطاب به من گفت: آقای مدیر دستم به دامنت جان بچه ام را نجات بده! من بچه ام را از تو می خواهم، خواهش می کنم آقای مدیر! خواستم آرامش کنم ولی او همچنان ادامه می داد! شما باید جلوی او را بگیرید، اگر پسر ما را به جبهه ببرند منمم خواهم رفت! نمی گذارم که او بیجا و بیهوده کشته شود." او بعد از تلاش و رفت آمدهای زیاد به ارگانهای مختلف بالاخره از اعزام بچه اش به جبهه جلوگیری کرد.

سپاه که این تلاش ها را از طرف دانش آموزان و والدین آنها می بیند، بهخشنامه ای به مدارس فرستاده و از مدیران و انجمن اسلامی خواسته است که کلیه "موانع موجود" از قبیل عدم موافقت والدین، نگرانی دانش آموزان از وضع تحصیلی خود و... را برای آن دسته از دانش آموزانی که می خواهند در جبهه ها شرکت کنند، بر طرف سازند. شبانی فرمانده سپاه نیز برای تبلیغ و ترغیب دانش آموزان راهی مدارس می شود. او طی سخنرانی در مدرسه "خدمات و بازرگانی" شهر "امدادهای غیبی" در جبهه ها را تشریح می کند و از دانش آموزان می خواهد که با رفتن به جنگ، "جبهه ها را تنگ دارند و از نظر تحصیلی نیز مطمئن باشند."

این تبلیغات در بسیج و ترغیب دانش آموزان برای شرکت در جبهه ها موثر واقع نمی شود و نتیجه عکس می بخشد. هم اکنون بسیاری از بسیجیان اعزامی نیز از جبهه ها فرار می کنند.

در یکی از دبیرستانهای شهر ناگهان سپاه به مدرسه ریخته و یک نفر از اعضای انجمن اسلامی و عضو پایتاه بسیج محله را دستگیر می کنند. والدین این دانش آموز از غیبت بچه خود نگران می شوند و به مدیر مدرسه مراجعه می کنند. مسئولین مدرسه در پاسخ پرس و جو آنها در مورد فرزندشان به آنها می گویند: "پسر شما را سپاه بازداشت کرده است و ما بقیه در صفحه ۱۱

از میان رویدادها



بدرفتاری با اسیران جنگی در اردوگاههای ایران و عراق

کمیسیون تحقیق سازمان ملل روز ۵شنبه هفته گذشته با انتشار یک گزارش هشتاد صفحه ای وضعیت اسیران جنگی در اردوگاههای ایران و عراق را بسیار ناگوار و دشتناک توصیف کرد. این گزارش بر اساس شواهدات عینی یک میات تحقیق چهارنفره تنظیم شده است.

در گزارش گفته شده که در هر دو کشور اسیران جنگی تحت شکنجه و فشار قرار می گیرند، مجازاتهای دسته جمعی در مورد آنها اعمال می گردد، در مواردی از ترفتن خوراک و آب محروم می شوند و برای شکنجه آنها حتی از شوک برقی به نقاط حساس بدن و شلاق نیز استفاده می شود.

هیچ یک از دو رژیم ایران و عراق به هویت ملی، ایدئولوژی و مذعب اسیران جنگی مطابق با موازین بین المللی و حقوق انسانی، احترام نمی گذارند. در گزارش مذکور رژیم جمهوری اسلامی بویژه از این نظر که اسیران جنگی را زیر فشار شدید ایدئولوژیک می گذارد و حتی اسیران جنگی مسیحی را آزار و اذیت می کند تا مسلمان شوند، مورد انتقاد قرار گرفته است.

ستاد تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی با انتشار بیانیهای در روز جمعه سوم اسفند، این انتقادات را رد کرد و از جمله گفت آنچه که در گزارش، فشار ایدئولوژیک نام نهاده شده خواسته خود "اسیران مسلمان عراقی" است.

این ستاد در بیانیه خود کوشیده است به شکل وقیحانه ای جنایتکاریهای رژیم را در رابطه با اسیران جنگی عراقی خاصه در مورد حادثه اردوگاه اسیران جنگی در کرکان کتمان کرده و گزارش میات تحقیق سازمان ملل را عمدتاً علیه عراق جلوه دهد.

جلسه مشترک وزیر اطلاعات دادستان مرکز و حکام شرع زندان اوین و دادگاه ارتش

روز ۵شنبه هفته گذشته (دوم اسفند) جلسه ای در شورای عالی قضایی برگزار شد که در آن وزیر اطلاعات، دادستان "دادگاه انقلاب اسلامی مرکز" و قائم مقام وی، حکام شرع اوین و "دادگاه انقلاب اسلامی ارتش" شرکت داشتند. این جلسه به منظور ایجاد هماهنگی بین وزارت اطلاعات و مسئولین اوین، دادستانی تهران و شهرستانها و دادستانی ارتش تشکیل شده است. قبلاً هماهنگی بین این نهادها عمدتاً از طریق دادستانی مرکز و شخص لاجوردی برقرار می شد. اکنون وزارت اطلاعات می کوشد کانون هماهنگی همه ارگانهای امنیتی و انتظامی رژیم نباشد و در میان آنها نقش فائده رابه دست آورد.

بسیجی ها باید در سپاه دوره سربازی را طی کنند

سپاه پاسداران تاکنون نتوانسته است برای جذب مشمولین نظام وظیفه موفقیتی به دست آورد. مشمولین به شدت از طی دوره سربازی خود در سپاه اکراه دارند و با اجبار و تهدید نیز به این کار کردن نمی نهند. (نمونه ای از مقاومت سربازان در برابر "خدمت" اجباری در سپاه در صفحه "اخباری از میهنمان" نشریه شماره ۴ ذکر شده است.)

اکنون مسئولین سپاه پاسداران تصمیم گرفته اند طی دوره سربازی در سپاه را برای بسیجی ها اجباری کنند. اطلاعیه ای که در زیر از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۱ بهمن کلیشه شده است، بر این موضوع دلالت دارد:



رفسنجانی: انجمن حجتیه به جمهوری اسلامی خدمت می کند

فعالیت های انجمن حجتیه به دنبال وقفه ای که پس از اعلام انحلال ظاهری آن پدید آمد، اکنون چند ماه است که نمود چشمگیری یافته است. اخیراً یکی از نمایندگان مجلس به این موضوع اشاره نمود و هاشمی رفسنجانی نیز در مصاحبه ای که به مناسبت سالگرد انقلاب با خبرنگاران داخلی و خارجی به عمل آورد فعالیت های اعضای انجمن حجتیه را در خدمت جمهوری اسلامی دانست.

هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سؤال خبرنگاری ژاپنی کیبود در مورد فعالیت های انجمن حجتیه گفت: "اینها الان فعالیت رسمی به عنوان حجتیه ندارند. البته افراد آنها ممکن است بخواهند افکارشان را ابراز کنند ولی این آقایان عیب آنچنانی ندارند که مجازات شوند. بسیاری از آنها اکنون در نظام جمهوری اسلامی شاغل هستند، معلم هستند و یاد ر جاهای دیگر و ادارات کار می کنند، کسی هم مزاحم آنها نیست، آنها هم مزاحمتی برای جمهوری اسلامی ندارند و خدمت هم می کنند."

ورزشگاه ۱۰۰ هزار نفری آزادی فقط گنجایش ۲۵ هزار تماشاچی را دارد!

مسئولین امنیتی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تکرار تظاهرات ورزشگاه امجدیه تمهیدات مختلفی چیده اند. آنها مسابقات فوتبال را در تهران و چندین شهرستان برای مدت نامعلومی تعطیل کرده اند و اکنون در فکر تمهیدات امنیتی

بویژه ای برای کنترل تماشاچیان در هنگامی هستند که مسابقات تیم های باشگاهی تهران از سر گرفته شود و با یک تیم فوتبال خارجی برای انجام مسابقه به ایران بیايد. از جمله اقداماتی که در این مورد صورت گرفته محدود ساختن تعداد تماشاچیان در ورزشگاه ۱۰۰ هزار نفری آزادی است.

اخیراً هیات فوتبال تهران به دستور مقامات امنیتی رژیم اطلاعیه ای صادر کرد و طی آن مدعی شد بنا به تشخیص کارشناسان (۹۱) طبقه دوم ورزشگاه آزادی خطرناک و حادثه آفرین است، لذا "به خاطر جلوگیری از حوادث ناگوار، تنها ۲۵ هزار برگ بلیط در روز انجام مسابقات فروخته خواهد شد." ارگانهای انتظامی و امنیتی رژیم از آن هراس دارند که نتوانند در صورت برگزاری یک مسابقه فوتبال در ورزشگاه آزادی ۱۰۰ هزار نفر تماشاچی را کنترل کنند و به همین خاطر است که چنین اطلاعیه ای را از زبان میات فوتبال تهران صادر کرده اند.

ضوابط جدید استفاده از ارز تحصیلی

ضوابط جدید استفاده از ارز تحصیلی برای دانشجویان خارج از کشور اعلام شد. مهمترین شرایط استفاده از ارز تحصیلی عبارتند از اعتقاد به جمهوری اسلامی و عدم هواداری از گروه های اپوزیسیون. بنا بر این روشن است که بخش بزرگی از دانشجویان خارج از کشور از دریافت ارز تحصیلی محروم می گردند. بر اساس بخشنامه مذکور به کسانی که بعد از تاریخ ۶۱/۴/۱ بدون مجوز وزارت فرهنگ و آموزش عالی از کشور خارج شده اند، در صورتی ارز تحصیلی تعلق می گیرد که در امتحان اعزام دانشجو به خارج شرکت کرده و قبول شده باشند. در این بخشنامه علاوه بر شرایط سیاسی مذکور، شرایط دیگری نیز از نظر رشته تحصیلی، میزان واحدهای درسی گذرانده شده، معدل و نیز حداکثر طول مدت تحصیل برای دریافت ارز در کشورهای مختلف گنجانده شده است. متن بخشنامه در کیهان هوایی اول اسفند به چاپ رسیده است.

تصویب ترانزنامه سودوزیان بانک مرکزی در سال ۶۲

در بیست و چهارمین مجمع عمومی سالیانه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ترانزنامه سودوزیان این بانک در سال گذشته مورد تصویب قرار گرفت. در آغاز جلسه مجمع عمومی بانک مرکزی نوربخش رئیس کل این بانک خلاصه ای از رویدادهای اقتصادی ایران در سال ۶۲ را ارائه کرد. از جمله نکات برجسته در گزارش نوربخش تمجید مسئولین ارگانهای اقتصادی جمهوری اسلامی از افزایش میزان واردات کشور است. نوربخش در گزارش خود گفت در سال ۶۲ میزان واردات "رشد فوق العاده" ای داشت و به همین دلیل "از شدت افزایش قیمت ها تا حدودی کاسته شد." در این گزارش به رکود شدید کشاورزی کشور اعتراف شده است. گزارش نشان می دهد خط اصلی سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی افزایش صادرات نفت برای وارد کردن هر چه بیشتر کالا به کشور است. بنا بر گزارش مذکور در سال ۶۲ جمهوری اسلامی روزانه بطور متوسط ۲۷ میلیون بشکه نفت فروخته و از این بابت ۱۷۷۹/۴ میلیارد ریال درآمد داشته است.

دلایل مواد مخدر در خدمت ضد انقلاب افغانستان

مقاله ای از
نثریه "عصر جدید"
شماره ۷

"هلال طلایی" سرسخت

عربان "نوشته هنریک کروگر روزنامه نگار دانمارکی که اخیراً منتشر شده، آمده است. وی درباره رابطه قاچاق مواد مخدر و تأمین مالی ضد انقلاب در سراسر دنیا مطالبی نوشته و افزوده است سرویس های مخفی غربی، از جمله سیا، به کمک مواد مخدر مخارج عملیات مخفی را تأمین می کنند.

کروگر می نویسد در سالهای ۶۰ و ۷۰ در "مثلت طلایی" شرکتی به همین نام فعالیت می کرده است. این شرکت تریاک دریافت داشته و با سیاه در ارتباط بوده است. مواد مخدر، با هواپیماهای شرکت هوایی جاسوسی "ایر آمریکا" به آمریکا انتقال می یافت. اما با این وجود، "اف.بی.آی." در سال ۱۹۷۹ تصمیم گرفت نیروی خود را متوجه "هلال طلایی" کند.

کروگر می نویسد در آغاز تصمیم بر این بود که ایران در فعالیتهای ضد افغانی شرکت داده شود و دلارهای عائد از معامله مواد مخدر در اختیار مأمورین ساواک، سرویس مخفی شاه قرار گیرد. این نقشه ها نقش بر آب شد و در سال ۱۹۸۰ "هلال طلایی" را به ضد انقلابیون افغانی مستقر در پاکستان واگذار کردند.

بدیهی است که در آغاز کار به آنها یاری رسانده می شد. شیمیدانهای خارجی هم که نه بخاطر آب و هوا آمده بودند و نه از شرایط زندگی و هم صحتیهای خود خوششان می آمد، از آسمان نیافتاده بودند. همچنین بعید است این کانگسترهای آمریکایی با اولین دعوت سرورخان به پاکستان آمده باشند.

کروگر همچنین - این گمان را ابراز می دارد که "هلال طلایی" و سیا از طریق یک واسطه مخصوص با هم ارتباط دارند: از طریق "اتحادیه جهانی ضد کمونیستی" که قاچاق مواد مخدر را هماهنگ و درآمد آن را تقسیم میکند.

تریاک - پول - قتل

هروئین در جاهایی که تریاک کشت میشود بسیار ارزان است (کیلویی ۲ هزار پوند انگلیس). لانس روزنامه نگار انگلیسی که در سال ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ دو مقاله در این باره از پاکستان برای "گاردین" و "ایزور" فرستاد، حساب کرده است که بهای عمده فروشی هروئین در لندن کیلویی ۱۵۰ هزار پوند است، و خرده فروشان را به قیمت کیلویی یک میلیون پوند می فروشند. از این مبلغ تنها بخش کوچکی به "مجاهدین" تولیدکننده مواد خام می رسد. اما همین بخش کوچک نیز به لاقال ۲۰۰ هزار پوند بالغ می گردد. این رقم، کمک مالی قابل توجهی است که ضد انقلابیون علاوه بر "حقوق ثابت" و "کمک" های آمریکایی و غربی دریافت میدارند.

این مبالغ به جیب کسانی سرازیر می شود که در کاخ سفید "مبارزان آزادی" نام دارند و حتی به عنوان مهمان از آنها دعوت می شود؛ افرادی نظیر کلبدین حکمت یار، رهبر "حزب اسلامی" (که در بانک آمریکن اکسپرس در بال سوئیس حساب دارد) و برهان الدین ربانی، رهبر "جمعیت اسلامی" (که در توکیو حساب بانکی دارد) و بسیاری از میمالگی هایشان.

اما این پول در این حسابها نمی ماند، بلکه به

بقیه در صفحه ۱۰

سختن بر سر بازی دزد و داروغه نیست. دهها تن از سردمداران مافیای مواد مخدر که با "مجاهدین" افغانی یعنی تولید کنندگان مواد مخدر تماس دارند، در ویلاهای مجلل پروز و برق زندگی می کنند. روزنامه "هندوستان تایمز" می نویسد برخی شخصیت های معروف پاکستان در این معاملات غیرقانونی شرکت دارند، و می افزاید هنگامی که در لندن به یک دلال بزرگ بازار سیاه این شهر، محموله ای مواد مخدر تحویل داده می شد، "یکی از بستگان یک دیپلمات برجسته پاکستان" بازداشت گردید. این فرد آنقدر بی احتیاطی کرده بود که با اتومبیل دارای شماره دیپلماتیک به سر قرار آمده بود. روزنامه انگلیسی "گاردین" به نقل از یک "دیپلمات غربی" می پرسد آیا واقعا مقامهای اسلام آباد در مبارزه علیه قاچاق هروئین جدیت به خرج می دهند یا نه، و می افزاید: "من نمی دانم آیا خواهند توانست از پس این مسئله برآیند یا نه. در این ماجرا مبلغ آنچنان زیادی پول مطرح است که می توانند با هر فردی کنار بیایند."

انگشت های بدون اثر؟

حال که این سؤال مطرح است که آیا مقامات اسلام آباد از آنچه در جلوی چشمان می گذرد خبر دارند یا نه، لازم است لاقال دو سؤال دیگر نیز مطرح گردد. آیا سیا آمریکا از فعالیت مافیای افغانی مواد مخدر اطلاع دارد، و آیا وزارت خارجه این کشور نیز در جریان است؟ این سؤالاها پرسشهای بیهوده ای نیست.

همه از اظهارات دولتمردان آمریکایی مبنی بر اینکه باید با اعتیاد به مواد مخدر مبارزه کرد آگاه هستند. همچنین همه می دانند که کاخ سفید از سه عامل نام می برد که گویا روابط آمریکا و پاکستان را تیره ساخته اند: آرزوهای هسته ای اسلام آباد، نقض حقوق بشر و مواد مخدر. این امر هنگام دیدار پرزیدنت ضیا الحق از آمریکا با وی در میان گذاشته شد. همچنین ویلیام اشیت، وزیر دادگستری آمریکا اما شولتز در عین حال با مشروط کردن ادامه کمک پاکستان دیدار کرد، در این باره ابراز نگرانی کرده اند نمود. اما وی در عین حال با مشروط کردن ادامه کمک نظامی و اقتصادی به اسلام آباد به جلوگیری از قاچاق مواد مخدر مخالفت کرد. البته این امر قابل فهم است. از پاکستان علیه افغانستان یک جنگ اعلان نشده در جریان است. پاکستان به پایگاه حضور نظامی آمریکا در این منطقه تبدیل می شود. در حالی که کاخ سفید پیوسته می گوشت آن دسته از نمایندگان کنگره را که نسبت به برنامه هسته ای متحد آسیایی آمریکا جلب توجه می کنند، خاموش سازد، پس دیگر چه سخنی از مواد مخدر می تواند مطرح باشد؟

آمریکا این امکان را دارد که در برابر چه کسی قاچاقچیان را حمایت و هدایت می کند. مجله تایم می نویسد سیا در پاکستان شبکه بسیار کار آیی از مأمورین دارد.

یک پاسخ به این سؤال در کتاب "حقیقت

مأموران گمرک تربت واقع در نزدیکی صحرای مکران پاکستان بطور سرسری و تنها برای رفع تکلیف یک ماشین شخصی را که از شمال، از شهر کوئتمی آمد، بازرسی می کردند. یکی از آنها یک کیف سفری را که در گوشه ای روی صندلی عقب انداخته بودند، برداشت، اما دیگر فرصت نکرد آن را باز کند. رائنده راه افتاده و به سرعت از محل دور شد و مأموران گمرک را در گرد و غبار و با ۲۵ کیلوگرم هروئین خالص ترک کرد.

هروئین برای غرب

روز بعد، روزنامه محلی "خیبرمیل" نوشت قاچاقچی مزبور افغانی بوده و افزود وی عضو مافیای بین المللی مواد مخدر است. این یک مبالغه نبود. سخن بر سر یک مافیای واقعی است که حقیقتاً ابعاد بین المللی عظیمی دارد. بین ۸۰ تا ۹۰ درصد هروئینی که مخفیانه به آمریکا و بریتانیا می رسد، از پاکستان، و بطور دقیقتر، از منطقه ای می آید که هم مرز افغانستان است. به گزارش روزنامه "امن" چاپ پاکستان اینک شهرهای کوئتا، پشاور، اسلام آباد و راولپندی مرکز معاملات غیرقانونی مواد مخدر است.

البته سردمداران مافیای پاکستان از سابقه چندانی برخوردار نبوده و تازه به دوران رسیده اند. همین ۱۰ سال پیش، پاکستان در بازار بین المللی مواد مخدر جای بسیار بی اهمیتی داشت. در به اصطلاح هلال طلایی که از مناطقی از پاکستان، افغانستان و ایران را دربر می گرفت، دو کشور نخست نقش تولیدکننده مواد اولیه را ایفا می کردند. تریاک خام از آنجا برای تبدیل به ایران و سپس از آنجا به اروپا و آمریکا فرستاده می شد. بحث زیادی از آن نیز در شهرهای ایران می ماند. "هلال" مزبور توانایی رقابت با "مثلت طلایی" برمه و تایلند را نداشت. در آغاز چنین به نظر می رسید که حتی این "هلال" احتمالاً به علت انقلاب افغانستان و سقوط شاه در ایران محکوم به افول است. اما چنین نشد. ضد انقلابیون افغانی که در نواحی مرزی پاکستان پناه یافته بودند، با سرعت اعجاب آوری "هلال طلایی" را بطرز موثری وارد عرصه بازار بین المللی مواد مخدر کردند. در این نواحی، ابتدا مزارع جدید خشخاش و سپس آزمایشگاههایی به وجود آمد که از خشخاش هروئین تولید می کنند. به گزارش نیویورک تایمز در پائیز ۱۹۸۱ حدود ۲۰ لایر اتوار اینچینی وجود داشت و افرادی که در آنجا با ظروف و لوله های آزمایشگاهی کار می کردند، نه فراری، بلکه شیمیدانهای اروپایی بودند. بعداً به این امر که این افراد چگونه به آن مناطق دور افتاده رفته بودند خواهیم پرداخت. در هر حال، تولید و در عین حال فرایند مواد مخدر در منطقه مرزی، به ویژه در نزدیکی پشاور متمرکز شد.

ارتباطات جنایتکاران با آنها بی که می توانند بازداشتشان کنند، غیر قابل انکار و بسیار علنی است.

مصاحبه "اکثریت" با نگوین سان بن عضو کمیته مرکزی و عضو هیأت دبیران حزب کمونیست ویتنام

بقیه از صفحه اول

از سوی حزب کمونیست ویتنام رفیق نگوین سان بن عضو کمیته مرکزی و عضو هیئت دبیران حزب کمونیست ویتنام در راس هیئتی در جشن بیستمین سالگرد بنیانگذاری حزب دموکراتیک خلق افغانستان شرکت کرد. رفیق نگوین سان بن پیام آور همبستگی بی دریغ مردم ویتنام انقلابی با دولت و مردم افغانستان، در نبرد علیه مداخلات امپریالیستی در امور این کشور مستقل و خرابکاری های اشرار ضد انقلابی بود.

رفیق نگوین با خبرنگار "اکثریت" به گفتگو نشست و به سؤالات چندی پاسخ داد. متن این گفتگو را در زیر می خوانید.

● سوال: لطفا در مورد نقش تجاوزکارانه چین علیه خلق ویتنام توضیحاتی بدهید.

جواب: بگذارید نخست قبل از پرداختن به مسئله تجاوز چین به یک امر اساسی اشاره کنم و آن همانا مبارزه ما علیه امپریالیسم امریکاست. مبارزه ای که تجربه وسیعی را برای خلق ما به بار آورده است. حزب توانست با در نظر گرفتن آداب و رسوم مردم، توده وسیعی را متشکل ساخته و بسیج نماید. مردم به دور حزب کمونیست ویتنام گرد آمدند و تصمیمات حزب را در عمل مشخص خود بکار بستند. ما طی این دوره تجربیات بسیار گرانبغی را بدست آوردیم، من به سه تجربه اساسی در این رابطه اشاره می کنم. مهمترین عامل در پیروزی و ساختمان جامعه نوین ویتنام رهبری و کاربست درست و اصولی مارکسیسم - لنینیسم بود که بر پایه منافع تمام زحمتکشان ویتنام استوار بوده و هست. ما بر اساس حرکت دقیق روی موازین انقلابی مارکسیسم - لنینیسم توانسته ایم از پیچ و خم های تند تاریخ سر بلند بدر آییم و ملت خود را به شاهراه سعادت برسانیم. اما نکته دوم وحدت ملیت های مختلف در ویتنام بود. حزب با رهبری خردمندانه توانست آنها را به دور کمیته مرکزی گرد آورد و پیشبرد اهداف انقلابی را در عمل میسر سازد. و سومین تجربه و دستاورد ما داشتن قوای مسلح قوی و انقلابی بود، قوای مردمی و عمیقاً معتقد به آرمان های والای حزب و انقلاب که توانست در مقابل نیروی عظیم و جهنمی

امپریالیسم امریکا پیروزی های درخشانی را کسب نماید. اما عامل مهم دیگری که در پیروزی انقلاب ویتنام نقش اساسی داشت، حمایت و پشتیبانی قاطع کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد جماهیر شوروی بزرگ بود. ما از تمامی این کشورهای برادر از تمامی نیروهای صلح دوست که بخاطر داعیه شریفانه صلح از انقلاب ویتنام حمایت و پشتیبانی نمودند، قدردانی می کنیم.

اما در مورد نقش تجاوزکارانه چین علیه خلق ویتنام باید نه تنها در مورد ویتنام بلکه در مورد مجموع کشورهای هندوچین صحبت کرد. چین امروزه تنها بر اساس روشی تجاوزکارانه و عظمت طلبانه در امور ویتنام بلکه در امور دیگر کشورهای هندوچین نیز مداخله می کند. از زمانی که کشورهای ویتنام، لاوس و کامبوج متحد شده و به هم نزدیک گردیدند، محافل ارتجاعی چین نیز در جهت شکاف انداختن و درهم شکستن این اتحاد و همبستگی، که امروز مانند سدی در مقابل نقشه های تجاوزکارانه چین مقاومت می کند، بیشترین تلاش خود را بکار بردند. جنگ تجاوزکارانه را علیه ویتنام به راه انداختند، در جنوب غرب ویتنام و در قسمت های جنوبی ویتنام بطور آشکار و وقاحت باری شروع به تجاوز کردند و صراحتاً از رژیم خونخوار "پول پت" دفاع نمودند. زندگی صلح آمیز مردم کامبوج را در آشفته ساختند و حکومت ارتجاعی تایلند را در تجاوزاتش علیه خلق های جنوب شرقی آسیا تشویق کردند. به این ترتیب آنها راهی را در پیش گرفتند که تا امکان نزدیکی و حل مسایل صحبت بین دو گروه کشورهای هندوچین و دیگر کشورهای (آ.س.آ) بسته شود. امروز شاهدیم که چگونه به جنگ چند جانبه علیه خلق های ویتنام، کامبوج و لاوس اقدام کرده و آتش جنگ را در این منطقه از جهان دامن می زنند.

● سوال: لطفاً نظراتان را در مورد پیمان های نظامی امریکادر خاور دور منطقه اقیانوسیه بیان نمایید.

جواب: امپریالیسم امریکادر تئیهایی با حکومت رژیمونستی - عظمت طلب چین تلاش می کند که نقشه شوم خود را علیه کشور ما و کامبوج و لاوس عملی

نمایند، تلاش می ورزد که اختلاف بین کشورهای هند چین و کشورهای (آ.س.آ) را که کشورهای آسیایی هستند عمیقتر ساخته و آنها را به مقابله بیشتر بکشاند، می خواهند که اوضاع در جنوب خاوری آسیا را وخیم تر نموده و از این طریق منافع شوم خودشان را بر آورده سازند. در مقابل کشورهای ویتنام، لاوس و کامبوج تلاش دارند که این قسمت از جهان را یعنی جنوب شرق آسیا را به منطقه صلح، آزادی و همکاری دوستانه و ثمر بخش مبدل سازند. این تنها یک شعار نیست که ما طرح می کنیم، این خواست ما در گردهمایی هایی که بین وزاری خارجه ۳ کشور هندوچین تشکیل شده بود و سیجا طرح و در گردهمایی های دیگری که با کشورهای دیگر جهان داشتیم مورد مذاکره قرار گرفت. هدف از این پیشنهادها این بود که مسایل جنوب شرقی آسیا باید از طریق صلح آمیز حل شود. این درست ترین راهی است که امروز می توان پیمود.

● سوال: نظر شما نسبت به جنگ ایران و عراق چیست؟

جواب: آنچه که مسلم است امروز محافل امپریالیستی و در راس همه آنها امپریالیستهای آمریکایی آتش جنگ بین ایران و عراق را شعله و رتر کرده و دو ملت را به جان هم پیاندازند. محافل ارتجاعی تلاش می کنند که از این جنگ و برادر کشی بین کشورهای ایران و عراق حداکثر استفاده را ببرند. ما امید اور هستیم که این جنگ و برادر کشی بین کشورهای ایران و عراق هر چه زودتر خاتمه یابد. این امری است به سود هر دو کشور. ما تلخی و صدمات جنگ را چشیده ایم و امروز از صمیم قلب آرزو می کنیم که این جنگ پایان یابد و مردم هر دو کشور به ترمیم خرابی های ناشی از جنگ و سازندگی کشور خود بپردازند.

● سوال: با تشکر لطفاً اگر پیمانی درباره مبارزات مردم ایران دارید بیان نمایید.

جواب: ما سالهای سال علیه استعمار، ظلم و ستم مبارزه کرده ایم. ما امروز همراه تمام کسانی هستیم که بخاطر آزادی و صلح مبارزه میکنند. ما هر نوع تجاوز، ظلم، استبداد و شکنجه علیه انقلابیون را محکوم میکنیم. مردم ویتنام و کمونیست های ویتنام همیشه از مردمانی که بر علیه امپریالیسم و بخاطر ایجاد شرایط صلح آمیز مبارزه میکنند پشتیبانی تمام و کمال مینمایند.

پیوند نامقدسی است: تروریسم دولتی و مواد مخدر. قربانیان آن، نه تنها هزاران افغانی مقتول و ناسرحد مرگ آزار دیده، بلکه همچنین پاکستانی ها، آمریکایی ها، انگلیسی ها، آلمانی ها و... هستند که از "پست" تا "پست" زنده اند، تا بالاخره یک "پست" آخری باشد. در پاکستان هم اکنون از هر ۱ دانشجو یک نفر معتاد است. حتی کودکان به علت اعتیاد تحت معالجه اند. متخصصین امر راه چاره را نمی دانند و می گویند: "این جریان مثل یک قوه قهریه است." اما "قوه قهریه ای" که صدها شهر جهان را در چنگال گرفته، یک سازمانده دارد: سیای آمریکا (با تلخیص)

جنایات هولناک دشمنان جمهوری دموکراتیک افغانستان مانند انفجار در یک مسجد کابل و در یک سینما هنگام نمایش فیلم و یا قتل معلمین و دانش آموزان. وقتی در آمریکا "روز قربانیان ترور" را برگزار کردند، پرزیدنت ریگان حتی یک کلمه هم درباره این قربانیان سخن نگفت. سخن بر سر تروریسم دولتی است، چرا که جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان از واشنگتن هدایت می شود. چندی پیش وزیر خارجه آمریکا گفت: "ما پیوند تنگاتنگی میان تروریسم و قاچاق بین المللی مواد مخدر می بینیم." همانگونه که دیدیم، این پیوند واقعاً وجود دارد.

"هلال طلایی" سرسخت...
بقیه از صفحه ۹
چریان می افتد. اشاری که در فرودگاه کابل بمب گذاشتند و ۱۲ نفر را کشته و ۲۰۷ تن را مجروح ساختند، اعتراف کردند که بعنوان پیش پرداخت ۴۴ هزار دلار گرفته بودند.

از درآمد فروش مواد مخدر همچنین برای خرید مسلسل های سبک و سنگین، مین، بمب و غیره در پاکستان و در غرب استفاده می شود. در نتیجه، بسیاری اقدامات خرابکاری در واحدهای تولیدی افغانستان و تعاونی های کشاورزی و کشتار مردم با تریاک تامین مالی می گردد. از این قبیل است

رویدادهای جهان



رئیس شورای جهانی صلح، سیاست های آمریکارامحکوم کرد

در دهلی، رامش چاندرا رئیس شورای جهانی صلح طی یک سخنرانی مبسوط سیاستهای آمریکارادر مینه های مختلف از جمله در منطقه جنوب آسیا و هندوستان تشریح نمود. وی آمریکارادر رابطه با قتل نام گاندی نخست وزیر فقید هند محکوم ساخت و باطنشان نمود درست هنگامی که خانم گاندی با ستواری و سازش ناپذیری مواضع ضد امپریالیستی اتخاذ شده در هفتمین اجلاس جنبش غیرمتعهدها در دهلی نو را چه در رابطه با سیاست خارجی کشور و به در عرصه جهانی دنبال می کرد، عوامل "سیا" اورا رور کردند. رامش چاندرا افزود پس از اتمام هفتمین اجلاس غیرمتعهدها در دهلی گفتگویی با خانم گاندی داشته که طی آن، نخست وزیر فقید هند اتحاد و روی را با روم متحد جنبش عدم تعهد و آمریکا را پس آن خوانده بود.

شیلی: "جبهه میهنی مانوئل رودریگز" درگیر نبرد مسلحانه با دیکتاتوری

"جبهه میهنی مانوئل رودریگز" شیلی که به بارزه مخفی مشغول است و در راه سرنگونی دیکتاتوری نظامی پیونوش می ریزد از همه نیروهای یهین پرست شیلی خواست مبارزات خود را علیه رژیم پیونوش گسترش دهند. دانیل هورثا، عضو رهبری این جبهه در یک کنفرانس مطبوعاتی در پیرو اظهار داشت جبهه میهنی خواهان بکارگیری همه شیوه های مبارزه علیه دیکتاتوری است و خود، راه مبارزه مسلحانه را رکزیده تا پایان دادن به رژیم ترور و اختناق را سریم کند. هورثا خواستار تشکیل دولت موقت و انتخاب مجلس موسسان گردید.

لازم به یادآوری است "جبهه میهنی مانوئل رودریگز" که مورد پشتیبانی حزب کمونیست شیلی نیز هست، در سال ۱۹۸۴ اعلان موجودیت نمود. این جبهه که در پایان سال ۱۹۸۲ تاسیس گردید، خود را نازوی مسلح خلق می داند. این جبهه یک سازمان میهن پرست است که برای رهبری مبارزه مسلحانه مردم بلی ایجاد شده است و نیروهای دارای عقاید سیاسی و یدشولوزیک گوناگون را در بر می گیرد.

حزب کمونیست آرژانتین خواهان اتحاد نیروهای میهن پرست شد

کمیته مرکزی حزب کمونیست آرژانتین، در ابتدای سال جاری مسیحی طی یک فراخوان کلیه نیروهای میهن پرست و ضد امپریالیست کشور را به اتحاد عمل و تشکیل "جبهه آزادی ملی و اجتماعی"

دعوت کرد. انگیزه انتشار فراخوان مزبور، نزدیک شدن موعد انتخابات برای نیمی از کرسی های مجلس ملی آرژانتین است. به گفته رفیق آتوس فاوا دبیر کل حزب، "این اتحاد عمل می تواند و باید روند دمکراتیزه کردن کلیه شئون زندگی اجتماعی را هر چه سریعتر به پیش برده و آخرین آثار نظام ترور و اختناق دیکتاتوری نظامی را در همه عرصه ها نابود سازد." حزب کمونیست آرژانتین بر آنست که برای مبارزه با پاکرفتن دوباره نیروهای ارتجاعی و راست، و برای پیشگیری از خطر کودتای نظامی فاشیستی، باید کلیه نیروهای دمکراتیک و میهن پرست کشور اعم از فعالین تشکلهای توده ای مانند سندیکاها، نظامیان میهن پرست و نیروهایی از درون کلیسا و دستگاه حکومتی فعلی، پرونیستها و فعالین حزب رادیکال، برای حفظ نظام جمهوری هتکی بر قانون اساسی دست به دست هم دهند. تنها اتحاد عمل نیروهای میهن پرست و ضد امپریالیست می تواند زمینه را برای حل مشکلات گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آرژانتین به شیوه دمکراتیک مهیا سازد.

باند ضد انقلابیون افغانی در بلخ تارومار شد

رادبو کابل گزارش داد: یک باند ضد انقلابیون در ولایت بلخ واقع در شمال افغانستان قلع و قمع گشت. محمد صدیق سرکرده باند کشته شد و شمار زیادی از افراد باند به اسارت گرفته شدند. مقادیر زیادی اسلحه و اموالی که از مردم به غارت گرفته شده بود، و همچنین اسنادی که نشانه ارتباط ضد انقلابیون با سرویسهای ویژه کشورهای خارجی است، به دست آمد. اعضای این باند، مسئول کشتار بیش از ۲ هزار تن از افراد غیر نظامی افغانستان هستند.

وزیر خارجه افغانستان: پاکستان فاقد حسن نیت برای ادامه مذاکرات است

رژیم پاکستان به نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد اطلاع داد که در موعد در نظر گرفته شده برای آغاز دور دوم مذاکرات آن کشور با دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان برای انجام مذاکرات حاضر نخواهد شد. بدین ترتیب مذاکرات مزبور تا مدت نامعلومی به تعویق افتاد. شاه محمد دوست وزیر امور خارجه افغانستان در این باره به پرسش خبرنگار خبرگزاری باختر پاسخ گفت. وی اظهار داشت: "اقدام پاکستان جهت به تعویق انداختن دور بعدی مذاکرات مربوط به حل مسائل پیرامون اوضاع افغانستان که قرار بود در اواسط ماه فوریه صورت گیرد، بار دیگر صحت نظر افغانستان را درباره اینکه رژیم نظامی این کشور (پاکستان) هیچگاه علاقه جدی و حسن نیت ضرور برای انجام این مذاکرات را نداشته است، تایید کرد." شاه محمد دوست گفت: "همانگونه که اطلاع دارید، آمریکا و چین و برخی از کشورهای دیگر، بر اسلام آباد فشار شدید وارد آورده و می آورند تا هر طور شده، مذاکرات را به تعویق انداخته و در عین

حال، خاک خود را برای ایجاد پایگاه جهت ادامه جنگ اعلان شده علیه افغانستان، در اختیار دیگران بگذارد. در ضمن باید در نظر گرفت که رژیم ضیا الحق علاقه زیادی به دریافت کمکهای مختلف از این کشورها و در درجه اول کمکهای نظامی دارد.

تشکیل لشکر ۸ هزار نفره قبیله ای مخالف رژیم نظامی پاکستان

خبرگزاری باختر افغانستان اطلاع داد، در منطقه وزیرستان واقع در شمال غربی پاکستان، یک لشکر ۸ هزار نفره از افراد قبایل کوچ نشین این منطقه برای مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم نظامی پاکستان که قصد دارد آزادی قبایل مزبور را محدود کند تشکیل شد. یادآور می شود این قبایل برای ادامه حیات ناچار از عبور از مرزها هستند.

"لشکر"، که از پشتیبانی مردم شمال وزیرستان برخوردار است، فعالیت گسترده ای را برای آگاه ساختن افراد کوچ نشین از سیاست ضد مردمی رژیم ضیا آغاز کرده و توانسته است تحریم کامل رفتن و آمدن ساختگی ژنرال ضیا را سازمان دهد.

گزارشی از وضعیت جوانان ۷۰۰۰ بقیه از صفحه ۷

دلیل آن را نمی دانیم. آنها به جستجوی می پردازند و بعد از مدتی سرگردانی موفق می شوند او را در بازداشتگاه سپاه ملاقات کنند. مسئولین سپاه جرم او را "فرار از جبهه" ذکر می کنند. بنا به صحبت هایی که در میان دانش آموزان در این باره مطرح است، ماجرا از این قرار بوده است که این بسیجی چندی قبل به اتفاق یکی از دوستانش به جبهه می رود، در جبهه در یکی از درگیریها دوست او به طرز فبیعی کشته می شود. بدنبال این اتفاق او بدون الحلاع مسئولان، جبهه را ترک کرده و به مدرسه باز می گردد. در آنجا مسئولان انجمن اسلامی از بازگشت غیرعادی وی مشکوک شده و قضیه را به سپاه اطلاع می دهند که این امر موجب دستگیری وی می شود. اخیرا طی یک محاکمه غیر علنی، این دانش آموز بسیجی را به "جرم فرار از جبهه" به سه سال و نیم زندان محکوم کرده اند.

ستاد امنیت که همه این حرکات را ناشی از تبلیغات و فعالیت های سازمانهای مترقی می داند، به تازگی به شناسنامه ای به مدارس فرستاده است که در آن گفته شده: اخیرا در پاره ای از مدارس فعالیت گروهکها به اشکال گوناگون دیده شده است، لازم است مسئولان مدرسه و انجمن اسلامی مراقبت بیشتری بعمل آورند "در همین رابطه، طرحی بنام "گروههای مقاومت" به منظور مقابله با فعالیت گروههای سیاسی در دست تهیه است.

* * *

آنچه در بالا خواندید در واقع گوشه هایی از دردهای مشترک همه جوانان میهن ماست. آنها چه در دوران حاکمیت شاه و چه در دوران سلطه خائنین به انقلاب نشان داده اند که پیکره های توانمندشان با هیچ ضربه ای و زخمی بر خاک نمی افتد. آنها رزم خود را پیش می برند. جوانان آرمانهای انقلاب را فرو نهشته اند. از تپاج آینده ای ندارد. آینده از آن آنهاست.

اطلاعیه هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

در همان روز روابط عمومی وزارت اطلاعات خبر دستگیری و قتل ۲۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران را در رستانهای تهران، اصفهان و مازندران را انتشار داد.

حزب توده ایران به کشتارهای بی‌بندوبار رژیم‌گاران راه استقلال و عدالت اجتماعی بشدت اعتراض می‌نماید، خواستار آزادی فوری همه میهن پرستان دستگیر شده است و اعمال ضد بشری رژیم را قویاً محکوم می‌کند.

روز در همه جا در پی شکار مخالفان عقیدتی رژیم اند. موج بازداشت‌ها در میان کارگران، دانشجویان و روشنفکران دوباره آغاز شده است.

توده‌ای‌های در بند و دیگر میهن پرستان در شتجه‌گاههای "اوین" و "اتاق‌های تمشیت" و دیگر مراکز مخفی ارگانهای اطلاعاتی به وحشیانه‌ترین اشکال عذاب می‌بینند و تحقیر می‌شوند. برای چه؟ برای خواست آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح. وظیفه همه ماست که درباره این سربازان رهایی خلق بیندیشیم و از هر راه که می‌توانیم بیاری آنان بشتابیم.

مبستگی با زندانیان سیاسی و مبارزه در راه آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان، وظیفه مقدس هر انسان شرافتمند و بشر دوست در ایران و در سراسر جهان است. فقط با مبارزه پیروز است که می‌توان هزاران مبارز راه رهایی توده‌های محروم را از مرگ حتمی نجات داد.

ما از همه بشردوستان آزاده در ایران و خارج از ایران، از همه سازمانهای مترقی می‌خواهیم تاصداً اعتراض خود را علیه جنایات نوبتی هولناکی که در سیاهچال رژیم در شرف تکوین است بلند کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۲ بهمن ۱۳۶۳

هیئت حاکمه ایران که با بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و نیز باناراضای فزاینده توده‌های وسیع زحمتکشان روبروست، برای زهر چشم گرفتن از مردم هر روز به جنایت تازه‌ای دست می‌زند.

روز بیست و سوم بهمن ۱۳۶۳ روابط عمومی وزارت اطلاعات اعلام کرد که ارگانهای سرکوبگر رژیم طی یک یورش سبانه عده‌ای از "کادرهای سازمان فدائیان - جناح کشتگر" را دستگیر کرده‌اند. از سر نوشت دستگیرشدگان خبری در دست نیست.

اعلامیه کمیته مرکزی

بقیه از صفحه اول
به قصد اخذ "اعتراف" بار دیگر با شدت بیشتری آغاز شده است. تعداد توده‌ای‌هایی که تحت تاثیر اینگونه داروها دچار بیماری‌های روانی شده و به تیمارستانها انتقال می‌یابند، روبه فزونی است.

زندانیان توده‌ای در سخت‌ترین شرایط نگاهداری می‌شوند. آنان در "کمیته"، "اوین"، "قزل حصار" و غیره با عذابهای جانکاه روبرو هستند. نه زنان و نه خانواده‌های متهمین از تحقیق و زندان و شکنجه مصون نیستند. بستگان نزدیک متهم را پیش چشم آزار می‌دهند تا او را وادار به تسلیم کنند. بسیاری از خانواده‌های توده‌ای - پدر و مادر و فرزند - که با هم در سلولهای تنگ و تاریک نگهداری می‌شوند. در نتیجه بستن چشم‌های زندانیان با چشم‌بندهای مخصوص بمدت شش ماه تا یکسال، تعداد افرادی که بینائی خود را از دست می‌دهند روبه فزونی است. نبود بهداشت و درمان و تغذیه ناسالم موجب شیوع انواع امراض ریوی و پوستی میان زندانیان شده است. تعداد کشته شدگان زیر شکنجه بطور بی‌سابقه‌ای افزایش می‌یابد. زندانیان ایران از زندانیان سیاسی انباشته شده است. ارگانهای سرکوبگر شب و

یک سال از اعدام ناخدا افضلی

ویاران گذشت

"اعدام ۱۰ نفر از نظامیان توده‌ای در ۶ اسفند سال گذشته، اوین رانگان داد. سه ساعت قبل از اعدام آنان را به حسینیه آوردند... نظامیان حزبی بار دیگر دلاورانه بر این نکته که در راه خلق گام برمی‌داشته‌اند و تنها برای بهروزی ملت و اعتلای انقلاب فعالیت می‌کرده‌اند، تاکید کردند. در پایان آنان انگشت‌هایشان را به علامت پیروزی بلند کردند و زندانیان "روی موضع" نیز با همین علامت بد آنان پاسخ گفتند."

(زیر هزار تیغه خنجر - "اکثریت" شماره ۲۲)

در سرگاه ۶ اسفند ۱۳۶۲، ده نفر از بهترین فرزندان خلق، ده نفر از عاشقان رهایی و بهروزی زحمتکشان، ده نفر توده‌ای، به چرخه اعدام سهرده شدند. رفقا: بهرام افضلی (فرمانده نیروی دریایی)، هوشنگ عطاریان، بیژن کبیری، حسین آذر فر، محمد بهرامی نژاد، ابوالفضل (جعفر) بهرامی نژاد، شاهرخ جهانگیری، خسرو لطفی، غلامرضا خاضعی و فرهاد جهاد در آتش کین بهیمی سردمداران جمهوری اسلامی نسبت به عدالت و آزادی و منادیان آن، سوزانده شدند. این رفقای دلاور فرزندان روزبه‌ها و سیامکها بودند، آنها در دامان حزبی پرورش یافته بودند و در راه آرمانهای گام می‌زدند که روزبه، سیامک، مشیری، وکیلی، انوشه و... را پرورانده و درایت و رزمجویی آنان را در خدمت طبقه کارگر و جهان بینی دوران ساز آن قرار داده بود. آنها آموخته بودند و آموزش می‌دادند که "اطاعت کورکورانه" نظامیان را در خدمت ارتجاع و امپریالیسم قرار می‌دهد. آنان رهرو راه رهایی بودند و به انقلاب و ضرورت تداوم آن دل بستند، راهی را که روزبه‌ها در برابر آنان گشوده بودند پی گرفتند و جان بر سر آرمانهای والای خود نهادند، آرمانی که زنده است و به صدا افشلی و عطاریان و آذر فرد دیگر زندگی می‌بخشد.

اکنون یک سال از اعدام این دسته از نظامیان توده‌ای می‌گذرد. در عرض این یک سال سردمداران جمهوری اسلامی عریانتر و آشکارتر از پیش اهداف خود را از کشتار آنان و هزاران توده‌ای، فدایی، مجاهد و دیگر رزمندگان راه آزادی و استقلال میهن به نمایش نهادند.

یکی از هدفهای پلید جمهوری اسلامی از کشتار نظامیان توده‌ای خاموش کردن فروغ رخشنده‌ای بود که آفتاب انقلاب در ارتش افکنده بود. آنها با اعدام این انقلابیون می‌خواستند به نظامیان اعلام کنند که دوران انقلاب به پایان رسیده است، ارتجاع میداندار است و باز "اطاعت کورکورانه" باید بنیاد ارتش را تشکیل دهد. آنها می‌دانستند و می‌دانند که بدون ابقا و تحکیم "اطاعت کورکورانه" نمی‌توانند حرکت‌های مردمی را به زعم خود فرو نشانند و جنگ خانمانسوز فعلی را ادامه دهند. آنها غافلند که آگاهی و تعهد بازم دیوارهای پادگانها را از درون و بیرون فرو خواهد پاشاند.

منتشر شد



از رنج و رزم زنان ایران

رفیه دانشگری

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را

رفیق منصور بمناسبت ۱۹ بهمن

تأمین کرده‌است

AKSARIYAT
NO. 46
MONDAY FEB 25.85

Address: آدرس:
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران و جهان، متحد شویم!

از میان نامه‌ها

گزارشی از مصروف

"... وضعیت صنوف همچنان مانند ماههای پیش است بنظر می‌رسد وضع بسیار بدتر هم شده است. بیکاری واقعا بیداد می‌کند. می‌توان گفت نیمی از کارگاههای کوچک و بزرگ بافندگی و خیاطی بسته شده است. سرمایه‌داران و سودجویان از وضعیت موجود حد اکثر استفاده را می‌برند وقتی یک آگهی از طرف یک کارگاه خیاطی یا بافندگی، مربوط به کار در روزنامه درج می‌شود و یا حتی کارفرمایی بصورت شفاهی از استخدام یکی دو نفر در کارگاهش با چند نفر صحبت می‌کند حد اقل بیست نفر به محل کار برای بدست آوردن کار سرازیر می‌شوند.

کارفرمایانی که می‌توانند به تولید ادامه دهند از فرصت استفاده کرده و دستمزدها را پایین می‌آورند بطوریکه اکنون بطور متوسط دستمزد نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۰ درصد کاهش یافت دستمزد تولید کالای که سال گذشته سیصد و پنجاه ریال برای کارگر بود، اکنون به دویست و پنجاه ریال تنزل داده اند. وضع طوری شده است که کارگران صنوف مخصوصا خیاط برای امرار معاش حاضرند در شغل‌های پائین‌تری بکار مشغول شوند. وضع کارگرا بسیار ترکان کننده است.

در این موقعیت صاحب کارها هر بلایی بخواهند سرکارگرها می‌آورند. هاگوپیانی که کارگاه خیاطی دارد. کارگرهای سابقه‌اش را که بیست نفر بودند اخراج کرد و بجای آنها کارگرتازه کاربامزد کم استخدام کرد. مزد این کارگرا نصف قبلی‌ها است. خیاطی اوستا بخاطر اینکه از طرف تعاونی خیاطها از کارمزد لباس کسر کردند، بیست درصد از دستمزد کارگران کم کرد. درمزون ماندی ده کارگر را اخراج کردند. در اینجا کارفرما گفت چون تولیدات روی دستم مانده و فروش نرفته است نمی‌توانم حقوقتان را بدهم.

باید توجه داشت که ماههای بهمن و اسفند بقول معروف "ناهار بازار" کارگران است و در این ماهها معمولا کار آنچنان زیاد می‌شود که اجبارا کارگران شب‌کاری نیز می‌کنند. قبلا اگر کارگری در این ماهها حاضر به شب‌کاری نمی‌شد، اخراج می‌گردید. ولی اکنون حتی برای ساعت‌های عادی روز نیز کار پیدا نمی‌شود. وجود کارگران خارجی که دستمزد کمتری می‌گیرند و کار بیشتری انجام می‌دهند (کارگران افغانی) پائین بودن قدرت خرید مردم و بالاخره ترس از ورشکست شدن برای کارفرمایان جزء این وضع را بوجود آورده است. در مورد ترس از ورشکست شدن باید بگویم که کارفرمایان معمولا زمستان اجناس تابستان را تولید می‌نمایند و در انبارها ذخیره می‌کنند و در فصل مورد نظر بفروش می‌رسانند و بیابالکس. اما اکنون از آنجایی که اطمینان کافی ندارند و می‌ترسند اجناس روی دستشان بماند از تولید فصلی دست کشیده و به روزانه مشغولند. کمتر کارفرمایی برای انبار نمودن تولید می‌کند...

پیامهای شادباش...

پیام دفتر مرکزی حزب کمونیست هندوستان

رفقای گرامی!

مایه بسی مسرت و خوشحالی است که به نمایندگی از طرف شورای ملی حزب کمونیست هندو از طرف خود، گرمترین تبریکات و تهنیت‌های قلبی خود را به مناسبت چهاردهمین سالگرد تاسیس سازمان شما ابراز می‌دارم.

سازمان شما تحت هدایت ایده‌های مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری می‌گام با حزب توده ایران و دیگر نیروهای میهن‌پرست و ضدامپریالیست، سهم عظیمی را در جهت تحقق و تثبیت اهداف انقلاب مردمی ۱۹۷۹ ایران و در مبارزه بر علیه سیاستهای تسلیم‌طلبانه و مخرب رژیم مستبد کنونی کشورتان بر عهده دارد.

نقش شما در پیشبرد انقلاب مردمی و ضدامپریالیست، ضدهاش، فصل با شکوهی است از تاریخچه روند انقلابات جهانی.

در این روزتاریخی سالگرد سازمانتان، برای شما در رژیم خمینی‌نات با هدف اتحاد و همبستگی همه نیروهای میهن‌پرست و انقلابی به منظور بازگرداندن ایران به مسیر انقلابی‌اش آرزوی موفقیت می‌کنیم.

ما قویا اقدامات سرکوبگرانه فاشیستی و ضد بشری بر علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران و دیگر نیروهای میهن‌پرست و دمکراتیک ایران را محکوم نموده و خواهان پایان یافتن فوری این اقدامات هستیم.

در همین جا فرصت را مغتنم شمرده خواست خود را مبنی بر اعلام آتش‌بس در جنگ بین ایران و عراق که ادامه آن فقط به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا است اعلام می‌داریم.

فرخنده باد چهاردهمین سالگرد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

زنده باد انقلاب ایران

زنده باد همبستگی خلقهای ایران و هند.

با درودهای برادرانه،

رفیق شما ام. فاروقی دبیر شورای ملی و عضو هیئت اجراییه مرکزی حزب کمونیست هندوستان

پیام هیئت اجرایی

جبهه خلق بحرین

رفقای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با تبریکات صمیمانه، بسیار خرسندیم که به نام هیات اجرایی جبهه خلق بحرین بمناسبت چهاردهمین سالگرد تولد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما و از طریق شما به همه اعضا و هواداران سازمانتان و همه مبارزین خلقهای ایران تبریک بگوییم.

با عملیات سیاهکلی توسط فدائیان خلق ایران در جنبش مقاومت علیه دیکتاتوری شاه تحولی پدیدار شد و مقاومت شکل مسلحانه بخود گرفت. اگر چه این عملیات قهرمانانه سرکوب شد آتش آن خاموش نشد و سازمان شما مبارزه خود ادامه داد. این مبارزه در براندازی رژیم شاه و آماده کردن شرایط برای جنبش وسیع سال ۱۳۵۷ نقش بسزایی ایفا کرد.

رفقای عزیز، توده‌های مردم ایران که از طریق انقلاب توده‌ای خود قویترین رژیم منطقه را معجزه وار برانداختند تجربه زنده‌ای برای ملت‌های عرب ارائه کردند و خدمت بزرگی به خلقهای منطقه نمودند زیرا که با این انقلاب ژاندارم بزرگ امپریالیسم در منطقه بر افتاد.

اما امروز درنگامی به تحولات ایران، در کمال تأسف دیده می‌شود که رهبری رژیم از راه انقلاب منحرف شده و علیه نیروهای سیاسی پیشرو و ایران که در سالهای سیاه دیکتاتوری فداکاریهای زیادی کرده بودند و نقش بزرگی در بسیج مردم و برانداختن رژیم شاه داشتند، شمشیر کشیده است.

ما همبستگی خود را با انقلاب ایران و تمام نیروهای انقلابی پیشرو، دمکراتیک و مسلمان که در جبهه انقلاب جای دارند، اعلام می‌کنیم. ما همبستگی خود را با تمام نیروهای ایرانی و عرب که خواستار توقف فوری جنگ خانمانسوز عراق و ایران بر اساس یک صلح عادلانه و دمکراتیک و برگشت فوری دو کشور به مرزهای بین‌المللی خود هستند. اعلام می‌کنیم.

با تقدیم صمیمانه‌ترین تبریکات رفیقانه

هیات اجرایی جبهه خلق در بحرین

پیام دبیرخانه مرکزی

"حزب سوسیالیست انقلابی" هندوستان

بمناسبت بزرگداشت چهاردهمین سالگرد تاسیس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مراتب احترام خود را به رفقای که جان خود را نثار راه و آرمان مردم مظلوم و ستمدیده ایران نموده اند، تقدیم می‌دارم. این روز را به رهبران و اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که بخاطر خواسته‌های مردمی، در معرض ترور و خفقتان و فشار حکام مرتجع ایران قرار دارند. تبریک می‌گوئیم. مایه خوشوقتی است که علیرغم تمامی فشارها، فعالیت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بطور موفقیت آمیزی در حال گسترش است.

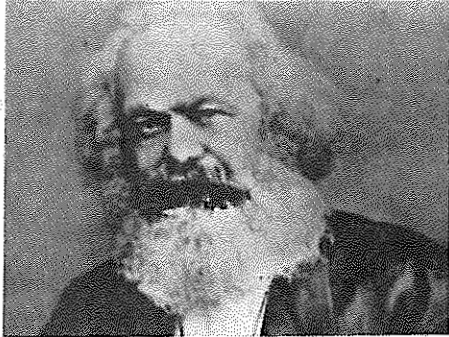
خلقهای جهان در راه استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم و بر علیه ستم و استثمار بصورت یکپارچه و متحد مبارزه می‌کنند. همه مادر سراسر جهان به خاطر آرمان مشترک، برقراری جامعه بی‌طبقه، آزادی و عدالت در جامعه انسانی مبارزه می‌کنیم. ما در اقصی نقاط جهان در جهت این هدف گام بر می‌داریم، از این روز مبارزه ما، موفقیت و شکست شما موفقیت و شکست ما تلقی می‌گردد. به همین سان موفقیت و شکست ما، موفقیت و شکست شما نیز می‌باشد. در این روز تاریخی، من از طرف حزب سوسیالیست انقلابی، همبستگی خود را با شما و رژیم انقلابی‌تان ابراز می‌دارم.

با آرزوی موفقیت برای مبارزات شما

با درودهای انقلابی

برادر شما براتول چودری دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی

سخن انگلس بزمزار مارکس: بزرگترین اندیشمند زمان، از اندیشیدن باز ایستاد



کشف، تأثیر فوری انقلابی در صنعت و بطور کلی در تکامل تاریخ می داشت. از این رووی تحول در زمینه کشفیات در الکتریسته را با دقت دنبال می کرد که آخرین آن کشف مارک دپره است. زیر مارکس قبل از هر چیز یک انقلابی بود. شغل واقعی او، این یا آن گونه مشارکت در سرنگونی جامعه سرمایه داری و نهادهای دولتی مولود آن، شرکت در رهایی پرولتاریای جدید که وی برای نخستین بار آن را از موقعیت و نیازهای خود، از شرایط رشدش آگاه ساخته بود. مبارزه جزیی از زندگی وی بود. وی با آنچنان شور، سرختی و موفقیتی مبارزه می کرد که دیگران بندرت از آن برخوردارند. شماره اول روزنامه "راینیش تسایوتوک" در ۱۸۴۲، "به پیش!" پاریس در ۱۸۴۴، "دویچه تسایوتوک" بروکسل در ۱۸۴۷، "نویه راینیش تسایوتوک" از ۱۸۴۸ تا ۱۸۴۹، "نیویورک تریبون" از ۱۸۵۲ تا ۱۸۶۱، به همراهی انبوهی جزوات، کار در انجمنهای پاریس، بروکسل و لندن تا اینکه بالاخره سازمان بین المللی بزرگ کارگران بعنوان نقطه اوج این همه ایجاد گردید. اینها همه ثمراتی است که حتی اگر ایجاد کننده آن هیچ موفقیت دیگری نمی داشت، می توانست به آن بیابد.

واژ این رو، مارکس در زمان خود بیش از هر کس دیگر مورد کینه و افترا قرار داشت. حکومتها، چه حکومتهای استبدادی و چه حکومتهای جمهوریخواه، او را اخراج می کردند. بورژواها، چه محافظه کار و چه "دمکرات" افراتی، به او تهمت می بستند. اما وی این همه را چون تار عنکبوت به کنار می زد و به آن توجه نمی کرد، و تنها هنگامی پاسخ می داد که چاره دیگری نبود. و او اینک مرده است. میلیونها همزم انقلابی اش، از معادن سیبری و سراسر اروپا و آمریکا گرفته تا کالیفرنیا، گرامی اش می دارند، اما دیگر تقریباً هیچ کس دشمن شخصی او نیست. نام او کار او در طول قرنهای زنده خواهد ماند!

اینک بار دیگر کشتار از سر گرفته شده است. اگر این دو رژیم بحال خود رها شوند و اگر بتوانند، هر دو کشور را تابه آخر نابود خواهند کرد و همه هستی مردم را در تنور جنگ خاکستر و نابود خواهند ساخت. برای مقابله با آن باید با همه توان کوشید تا صلح به دست آید. مبارزه در راه صلح مبرم ترین وظیفه هر عنصر ترقیخواه است. عرصه صلح فراگیرترین عرصه مبارزه علیه ارتجاع است. جنگ افروزیهای رژیم جمهوری اسلامی مبارزات صلح طلبانه مردم را بازم گسترش خواهد داد. همراه با مردمی که شعار صلح را فریاد می کنند، دست در دست یکدیگر مبارزه علیه جنگ و علیه رژیم جنگ افروزو جنایت پیشه جمهوری اسلامی را مصمم تر از همیشه گسترش دهیم.

ایستاد. هنوز دود قیقه بیشتر تنهایش نکذاشته بودیم که هنگام ورود به اتاق او را در صندلی راحتی اش در حالی یافتیم که آرام به خواب رفته بود. اما برای همیشه.

آنچه پرولتاریای رزمنده اروپا و آمریکا و علم تاریخ با مرگ این مرد از دست داده، قابل سنجش نیست. بزودی خلائی که مرگ این بزرگمرد ایجاد کرده، محسوس خواهد شد.

مارکس بسان داروین که قانون تکامل طبیعت زنده را کشف کرد، قانون تکامل تاریخ بشر را کشف نمود، یعنی این حقیقت ساده را که انسانها پیش از هر چیز باید بخورند، بنوشند، سکنی گزینند و بیوشند تا بتوانند به سیاست، دانش، هنر، دین و غیره بپردازند، حقیقتی که تاکنون زیر پوششهای ایدئولوژیک پنهان بوده است بعبارت دیگر این تولید بلا فصل مایحتاج مادی زندگی، و بنا بر این سطح تکامل اقتصادی هر ملت یا هر مقطع زمانی است که مبنای ایجاد موسسات دولتی، دیدگاههای حقوقی، هنر و حتی تصورات مذهبی انسانها را تشکیل می دهد، و آن همه را باید بر این اساس توضیح داد، و نه آنگونه که تاکنون معمول بوده، برعکس.

اما این تنها کشف مارکس نبود. مارکس همچنین قانون حرکت ویژه شیوه تولید کنونی سرمایه داری و جامعه بورژوازی مولود آن را کشف کرد. کشف ارزش اضافی در این عرصه ینگاه نوری بر افروخت، و این در حالی بود که همه تحقیقات قبلی اقتصاددانان بورژوا و ویا منتقدین سوسیالیست به گمراهی می رفت.

دو کشف به این بزرگی، برای یک زندگی پس است. سعادتمند کسی که بتواند حتی یک کشف نظیر این به عمل آورد. اما مارکس در هر عرصه ای که به پژوهش پرداخت، حتی در عرصه ریاضیات، کشفیات مستقلی انجام داد. او هیچ یک از این عرصه ها را تنها به طور سطحی مورد بررسی قرار نداد.

این مرد دانش چنین بود. اما این همه حتی نیمی از وجود او را نیز تشکیل نمی داد. علم برای مارکس نیرویی بود که مولد حرکت تاریخی است، نیرویی انقلابی. وی از هر کشف جدید در یک دانش ثنوریک، صرف نظر از کار برد عملی آن، به وجد می آمد. اما شغف او هنگامی چند برابر می شد که این

مردم دو کشور و جهانیان اعلام داشته بودند. آن زمان با میانجیگری خاویر پرز دو کوئیار طرفین متعهد شده بودند از این پس به بمباران شهرها و مناطق مسکونی دست نزنند.

در آن زمان کمیته مرکزی سازمان ما طی اظهاریه ای ضمن استقبال از توافق حاصله، خاطرنشان کرده بود که باید "بر لزوم اجرای بی خدشه آن تاکید داشت و در ادامه آن "آتش بس کامل و صلح بین دو کشور" باید برقرار گردد.

با تداوم جنگ که سیاست اعلام شده جمهوری اسلامی است، هر قرار و میثاقی شکننده می شود. تا زمانی که صلح متحقق نشود، حتی لحظه ای هم نمی توان خطر اوج گیری دوباره جنگ و کشتار را منتفی دانست.

با فرارسیدن ۱۴ مارس، ۱۰۲ سال از مرگ کارل مارکس، بنیانگذار سوسیالیسم علمی، رهبر سازمانده برجسته مبارزات طبقه کارگر و نابغه ای که به نشانه گرامیداشت اندیشه های دوران سازش، حتی نام جهان بینی پرولتاریا به نام او است، می گذرد.

او آخر دمه هفتاد سده پیشین میلادی، وضع مزاجی مارکس که عمری را با تحمل شدیدترین مصرومیتها و دردها، وقف حل معضلات عملی جنبش جوان پرولتری از یک سو و پژوهش و تدوین آثار گرانمایه اش از سوی دیگر کرده بود، روبه وخامت گذارد. عقوبت، سرفه های چانکاه و دردهای غیر قابل تحمل در ناحیه سرویسینه آزارش می داد و اغلب برای مدتی طولانی او را از کار باز می داشت. افزون بر این همه، غم سلامتی از دست رفته همسر مارکس، یعنی نیز بردوش وی، سنگینی می کرد. یعنی مارکس از سلطان رنج می برد و دچار دردهای شدید بود، تا اینکه در دوم دسامبر ۱۸۸۱ چشم از جهان فرو بست.

یک سال بعد، آخرین ضربه سنگین به مارکس وارد شد. پنی، دختر مارکس ناگهان درگذشت. اعضای خانواده، که سالها در فقر و مسکننت زیسته بودند، یکی پس از دیگری از پا در می آمدند. نیمه مارس ۱۸۸۲، نوبت به خود مارکس رسید. در روز چهارم مارس، مارکس پس از یک خونریزی کوچک از هوش رفت. انگلس می نویسد زمانی که هنگام نیمروز به خانه مارکس در لندن رسید، "اهل خانه همه گریان بودند. به نظر می رسید کار رو به پایان است... (پرستار) گفت بیمار در خواب و بیداری بسر می برد و از من خواست همراه او به اتاقش بروم. هنگامی که وارد اتاق شدیم، مارکس خوابیده بود، اما خوابی که دیگر بیداری نداشت. نبض و تنفسش قطع شده بود. در عرض دودقیقه آرام و بدون درد از حال رفته بود."

در روز شنبه ۱۷ مارس ۱۸۸۲ مارکس را در گورستان "های گیت" لندن، به همان آرامگاهی که پانزده ماه پیش همسرش را به خاک سپرده بودند، تشییع کردند. انگلس سخنان زیر را بر مزار همزم بزرگش ایراد نمود:

"چهارم مارس، ساعت یک ربع به سه بعد از ظهر، بزرگترین اندیشمند زمان از اندیشیدن باز

همچنان جنگ...

بقیه از صفحه اول

شهرها را ضرب شصتی به رژیم ضد مردمی مقابل می نمایاند. جدا از اینکه کدامیک از این دو رژیم سفاک آغازگر این دور بوده باشد. "فاتح قادسیه" و یا قصه برد از آن فتح بغداد و کربلا، آنچه که برای مردم بلاکشیده دو کشور بیمار آمده، رنج و غذاب بیحدی است که امانشان را بریده و میهن شان را به باد فنا داده است.

عملیات تازه تبهکاری سبعانه ای است که نه تنها با قوانین شناخته شده بین المللی مغایرت دارد، بلکه خلاف تعهداتی است که حکومت های خمینی و صدام در خرداد ماه با پذیرش پیشنهاد دبیر کل سازمان ملل متحد تقبل کرده و رسماً آنرا در برابر



رویدادهای جهان

موضع اتحاد شوروی پیرامون موافقت نامه ملک حسین - عرفات

اخیرا پروادا ارکان حزب کمونیست، تاس خبرگزاری رسمی و سایر رسانه‌های گروهی اتحاد شوروی گفتاری درباره موافقت نامه میان ملک حسین پادشاه اردن و یاسر عرفات منتشر ساختند که در آن آمده است: "پیرامون این موافقتنامه میان ملک حسین و یاسر عرفات در نهضت مقاومت فلسطین و نیز کشورهای عربی بحث شدیدی در جریان است. این موافقتنامه با واکنش مثبت محافل رسمی مصر، مراکش و عربستان سعودی روبرو گردید... در سوریه، جمهوری دمکراتیک یمین و برخی دیگر از کشورهای عربی این موافقتنامه بشدت محکوم، و این نظر عنوان می گردد که موافقتنامه مزبور به تشدید بازم بیشتر اختلافات در جنبش مقاومت فلسطین و تضعیف نفوذ و نقش سازمان آزادیبخش فلسطین بمثابة تنها نماینده قانونی خلق فلسطین و پیوند آن با نیروهای مبارز راه رهایی و پیشرفت خواهد انجامید."

در این گفتار، ضمن اشاره به انتقاد رهبران جبهه دمکراتیک و جبهه خلق برای آزادی فلسطین از توافق امان، از سویی، و استقبال رینگان رئیس جمهور آمریکا از آن از سوی دیگر، تاکید گردید، "چگونگی ارزیابی موافقتنامه امان از سوی آمریکا و نیز اسرائیل، که چنانکه همه می دانند، می خواهند به اعراب قراردادها و نایب ابر تحمیل کنند. نشان می دهد که آنها انتظار دارند هر دو طرف دخیل در این توافق از مقاومت در برابر نقشه های آمریکا و اسرائیل در خارج نزدیک روگردان شوند"

حزب کمونیست اردوگوته فعالیت علنی خود را از سر گرفت

کمونیستها و مردم اردوگوته در یک تظاهرات با شکوه، از سرگیری فعالیت علنی حزب کمونیست اردوگوته را جشن گرفتند در صف اول تظاهرات، رفیق ردنی آرسیمندی دبیر اول کمیته مرکزی و سایر اعضای رهبری حزب حرکت می کردند. شرکت کنندگان در تظاهرات، با حمل شعارهایی میبستگی خود را با مردم نیکاراکوته، میهن پرستان السالوادور و سایر خلقهای منطقه اعلام داشتند.

لازم به یادآوری است که با انجام مراسم سوگند پریزیدنت سانگینتی، هفته گذشته دوره ۱۲ ساله دیکتاتوری نظامی که در تابستان ۱۹۷۲ با کودتا قدرت را بدست گرفته بود، پایان یافت.

پارلمان اردوگوته در یکی از نخستین نشستهای خود، طرح اپوزیسیون مبنی بر عفو عمومی و بدون استثناء زندانیان سیاسی را تصویب کرد. طرح دولت، آزادی زندانیان بغیر از متهمین به قتل راییش بینی می کرد. اما اکثریت پارلمان تاکید نمود "اعترافات" اخذ شده از محکومین به جرم قتل، در شرایط حکومت نظامیان و با استفاده از شکنجه

بدست آمده است. بدین ترتیب همه زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد.

آمریکا ابتکار صلح جویانه نیکاراکوته را رد کرد

دانیل اورتگا رئیس جمهوری نیکاراکوته بدنبال ملاقات با جرج شولتز وزیر امور خارجه آمریکا در حاشیه مراسم ایراد سوگند رئیس جمهور جدید اردوگوته اعلام داشت آمریکا همچنان موضع انعطاف ناپذیر خود را در قبال نیکاراکوته حفظ کرده است. شولتز ابتکار یکجانبه نیکاراکوته مبنی بر خروج ۱۰۰ مستشار نظامی کوبایی از این کشور و قطع خریدهای تسلیحاتی را "ناکافی" خواند.

رئیس جمهور نیکاراکوته در یک کنفرانس مطبوعاتی در مونته ویدئو گفت کشورش خواهان صلح است و در این راستا در روزهای اخیر گامهایی برداشته است. وی باردیگر پیشنهاد از سرگیری مذاکرات دو جانبه با آمریکا در مکزیک را مورد تاکید قرار داد. اورتگا خاطرنشان ساخت آمریکا با این امر همچنان مخالفت می ورزد.

از سوی دیگر رینگان رئیس جمهور آمریکا بار دیگر حمایت خود را از ضدانقلابیون نیکاراکوته اعلام داشت و گفت این حمایت باید "از حرف به عمل در آید."

در خود آمریکا، مخالفت با اعطای کمک مالی به ضد انقلاب نیکاراکوته گسترش می یابد. اتحادیه کلیساهای پروتستان آمریکا نیز به صف مخالفین طرح رینگان در این مورد پیوست.

در ماناگوا اعلام شد در ماه فوریه، نیروهای مسلح نیکاراکوته ۲۴۵ تن از ضدانقلابیون را در شمال و جنوب کشور طی ۸۲ نبرد از پا در آورده اند.

معاون وزیر دفاع نیکاراکوته اعلام نمود میلیشای مردمی ساندنیست در حال حاضر سرگرم انجام تمرینات گسترده است تا نشان دهد نیکاراکوته از آمادگی برای دفاع از خود برخوردار است. در بزرگترین تمرین جنگ که از آغاز مانورهای مشترک آمریکا و هندوراس در سال ۱۹۸۱ در جریان است، ۴۵۰۰ سرباز آمریکایی شرکت دارند. این تعداد قرار است پس از رسیدن رزمنا "آیوا" به هندوراس به ۷ هزار نفر برسد. برای نخستین بار آمریکا در این تمرین سلاهای سنگین، از جمله تانک بکار می برد. به گزارش خبرگزاری نیکاراکوته، هدف این تمرین فراهم آوردن امکان انتقال سریع ۱۰۰ هزار سرباز آمریکایی به مرزهای نیکاراکوته است.

درگیری مسلحانه لبنان و اسرائیل

ارتش لبنان طی اطلاعیه ای اعلام داشت در نزدیکی بندر صیدا واقع در جنوب این کشور، درگیری مسلحانه ای میان واحدهای ارتش لبنان و سربازان متجاوز صهیونیست رخ داده است. در این اطلاعیه آمده است یک گشتی مسلح اسرائیلی بدنبال رخنه به روستایی که ارتش اسرائیل آن را چند روز پیش تخلیه کرده بود، با آتش سربازان لبنانی روبرو گردید. بدنبال عقب نشینی این گشتی، تانکهای اسرائیلی مواضع واحدهای لبنانی را زیر آتش گرفتند.

اسرائیل علیرغم عقب نشینی محدود از جنوب لبنان، به عملیات تروریستی خود علیه مردم غیرنظامی این منطقه ادامه می دهد. در ماه فوریه جمعا ۵۲ نفر از اهالی جنوب لبنان بدست صهیونیستها به قتل رسیدند.

آغاز سال تحصیلی جدید در افغانستان

در افغانستان با پایان یافتن فصل سرما سال تحصیلی جدید آغاز شد. ۶۵۵ هزار دانش آموز افغانی به مدرسه رفتند. در سال تحصیلی جدید، دانش آموزان از روی برنامه جدیدی که در آن تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در نظر گرفته شده، آموزش خواهند دید. دولت برای سال تحصیلی جدید، ۱۱۲۰ مدرسه را تعمیر کرده و یا احداث نمود. تدریس به زبان مادری خلفها و اقوام ساکن افغانستان انجام می گیرد.

دستگیریهای گسترده در پاکستان

اخیرا حکومت نظامی ژنرال ضیا الحق برای جلوگیری از حرکت مردم بعد از مضحک ای که تحت عنوان انتخابات به راه انداخت، به دستگیریهای گسترده تری رو آورده است. در میان دستگیر شدگان جمعی از رهبران احزاب و جمعیت های مخالف رژیم ضیا الحق دیده می شوند.

روز ۱۸ فوریه غلام مصطفی جاتوبی، رهبر حزب مردم سردار شیربازخان مزاری، مولانا شاه احمد نورانی و خواجه خیرالدین که از شخصیت های سیاسی مخالف رژیمند بازداشت شدند. متعاقب آن مارشال بازنشسته اسفرخان رهبر حزب حرکت استقلال و پسر وی و نیز خانم ن - دخان نیز دستگیر گردیدند. اتهام دستگیر شدگان تشویق مردم به تحریم انتخابات ذکر شده است.

همزمان با این دستگیریها در لاهور و فیصل آباد، سید محمد کوثر گاردزی و هشت تن دیگر از رهبران جنبش احیای دموکراسی، دو تن از اعضای شورای وکلای پاکستان، یکی از رهبران حزب مردم و چودری خورشید احمد رئیس کمیته حقوق بشر در فیصل آباد نیز بازداشت شدند.

اعتصاب کارگران راه آهن پاکستان

رژیم ضیا الحق برای درهم شکستن اعتصاب کارگران راه آهن پاکستان به زور متوسل شد. اکنون پلیس در مراکز اعتصاب مستقر شده و به دستگیریهای گسترده از رهبران کارگران راه آهن، رو آورده است. از جمله روز ۲۱ فوریه چهار تن از رهبران کمیته کارکنان فنی راه آهن بعد از شرکت در یک میتینگ که برای طرح خواسته های کارگران برگزار شده بود بازداشت گردیدند. تا اواخر فوریه ۱۵۰ نفر از فعالین این اعتصاب از سوی پلیس دستگیر شده اند. کارگران راه آهن پاکستان بعد از استقرار پلیس در مراکز اعتصاب، روزی یک ساعت تظاهرات برپا می کنند. اتحادیه کارگران راه آهن و اتحادیه دموکراتیک کارگران ذوب آهن و دیگر کانونهای کارگری پاکستان با صدور اعلامیه ها و بیانیه هایی سرکوب کارگران اعتصابی را محکوم ساخته اند.

پیامهای شادباش احزاب کمونیستی و کارگری و ترقیخواه به کمیته مرکزی سازمان به مناسبت سالگشت ۱۹ بهمن

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان

رفقای عزیز!

صمیمانه ترین شادباشهای ما را به مناسبت پانزدهمین سال بنیانگذاری سازمان بپذیرید! حماسه پیکار، پایداری و فداکاری فدائیان خلق که از جنگلهای سیاهگل آغاز گردید همچنان در امتداد خط سرخ پایداری و پاسداری از حقوق خلقهای زحمتکش ایران در به ثمر رساندن خواستهای مردم ستمدیده ایران، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تداوم دارد

بالندگی سازمان شایه مثابه یکی از گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر ایران و پیگیری در راه وحدت با حزب توده ایران بمثابه شالوده جبهه متحد خلق، نشانگر وفاداری و اصولیت سازمان شما نسبت به آرمانهای طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است.

رفقای عزیز!

خاطره پایمردی ها و مقاومت ها و ایثار فدائیان خلق در تاریخ معاصر ایران، در روزهای نخستین انقلاب و جبهه های جنگ تحمیلی ایران و عراق، در دفاع از میهن انقلابی، تلاش و کوشش شما در کنار رفقای توده ای برای به پیش بردن انقلاب، فداکاری و ایثار فدائیان خلق در شکنجه گاه ها جاودانه گشته است.

رفقای عزیز!

ما اعتقاد داریم، خیانت سران جمهوری اسلامی ایران و بیورش وحشیانه به حزب توده ایران و شکنجه و اعدام ددمنشانه رفقای توده ای، فدائی و دیگر مبارزان انقلابی لکه ننگی بر دامن جمهوری اسلامی و ارتجاع حاکم است.

برگزاری موفقیت آمیز پلنوم کمیته مرکزی سازمان شما و پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران مشت محکمی بر دهان یاهوگویانی است که مدعی سرکوب گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر ایران هستند.

ما ایمان داریم طبقه کارگر و مردم ستمدیده ایران علیرغم همه فرازونشیب هادر سرزمین مزدک ها و ارانی ها و روزبه ها و جزئی ها، راه سعادت و بهروزی

رادر می نورددند.

زنده باد مردم ایران!

زنده باد حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

بادرودهای برادرانه.

کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

رفقای عزیز! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

بنام کمونیستهای عراقی و هواداران و دوستانشان، به مناسبت چهاردهمین سال تاسیس سازمان شما، تبریکات گرم و علائق قلبی خویش را تقدیم می داریم. برای شما در مبارزه دشوارتان پیروزی آرزو می کنیم.

کمونیستهای عراق به راهی که سازمان شما برای تامین خواستهای اساسی خلق ایران می پیماید با تقدیر و احترام می نگرند. و خرسندی خود را از نقش شجاعانه سازمان شما برای تامین خواستهای اساسی خلق ایران می پیماید با تقدیر و احترام می نگرند. و خرسندی خود را از نقش شجاعانه سازمان شما در مبارزه ای که دوشادوش با اپوزیسیون ملی و انقلابی و بیش از همه با حزب توده ایران پیش می برید و همچنین نسبت به فداکاری های بسیار شما در راه اهداف ملی و دموکراتیک خلق ایران ابراز می دارند.

حزب ما با خرسندی شاهد است که شما جهت ایجاد یک جبهه گسترده با تکیه بر برنامه معین مبارزه و همچنین برای پایان دادن به جنگ و دستیابی به یک صلح دموکراتیک و عادلانه و نیز در راه تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی، کوشش مستمری را دنبال می کنید.

ما از گسترش روابط میان سازمان شما و حزب ما بسیار خوشحالیم. و ما مطمئنیم که این روابط تاریخی در روند مبارزه برای اهداف مشترک ما باز هم مستحکم تر خواهد شد. مفتخریم که بدین مناسبت انقلابی از همبستگی شما با حزب ما و خلق مادر مبارزه

برای پایان دادن به جنگ براساس یک صلح دموکراتیک و عادلانه و برچیدن رژیم دیکتاتوری و فاشیستی عراق و برقراری یک حکومت دموکراتیک انقلابی و تحقق دموکراسی برای عراق و خودمختاری حقیقی برای کردستان عراق، ابراز خوشحالی نماییم. و متقابلاً همبستگی خود را با مبارزه شما و سایر نیروهای اپوزیسیون دموکراتیک در کشورتان برای برقراری ایرانی مستقل و دموکراتیک اعلام نماییم. ما اعتقاد کامل داریم هدفی که شما در راه آن مبارزه می کنید، هدف واقعی ملت ایران است و مطمئناً پیروز خواهید شد.

دست شما را صمیمانه می فشاریم و آرزوی پیروزی شما را داریم.

با تقدیم صمیمانه ترین تبریکات رفیقانه

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین، دروهای انقلابی خود را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خاطر چهاردهمین سال بنیانگذاری ابراز می دارد.

حزب کمونیست فیلیپین از نقش خطیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه قهرمانانه مردم ایران اطلاع دارد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین انتخاب مجدد رفیق فرخ نگهدار را بسمت دبیر اولی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تبریک می گوید.

زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)! زنده باد روابط برادرانه بین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب کمونیست فیلیپین!

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین

فنیسیوس. س. ماکاپاکال

بقیه در صفحه ۱۳

AKSARIYAT

NO.48

MONDAY MARCH 11,85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

هزینه جاب این شماره "اکثریت" را

رفقای توده ای و فدائی در شهر لوللو (سوئد)

تأمین کردند

کم های مالی رسیده

رفیقی از ماری (فرانسه) ۵۰ فرانک
بهرام از نیس (فرانسه) ۵۰۰ فرانک
الف از نیس (فرانسه) ۸۰ فرانک
کمک مالی از اتریش ۳۲۰ شیلینگ

با جمع آوری کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام

وظایف انقلابی

یاری دهید!

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!